

چون نیت پاک و طینت ناپاک علیحضرت پادشاهی
 مفسور و مجبول است بر رفاه و آسایش تمامی رعایا و عبادی
 که در ممالک محروسه ایران هستند لهذا نظر به پشیمانی
 ارامنه چو لایحه اصفهان که تبعه دولت علیه هستند و بسایر
 مقرب الخاقان میرزا زین العابدین ملک الکتاب از اولیا
 دولت قاهره از جمله پسرین مبلغ یکصد پنجاه

از بابت مالیات دیوانی ارامنه مذکور از قرار فرمان
 مایون تا مدت سه سال تخفیف رحمت فرمودند که حکام

و مباحثین اصفهان مطالبه نمایند

و همچنین چون ارامنه تبعه دولت علیه ایران که در بلوک فریه
 ساکن و عبرتبی مشغول هستند در قیمت جنسی که عوض مالیات
 بیروانیان میدادند توسط مقرب الخاقان ملک الکتاب
 استدعای تخفیف نمودند اولیای دولت قاهره بجهت
 رفاه و آسایش حال آنها و حصول دعای خیر برای وجود
 سعود علیحضرت پادشاهی خرواری دو هزار و سیصد
 آنجا هم که تخفیف رحمت کردند

سایر ولایات

اوقر پاجان ازین ولایت درین مضمون اخبار
 بنود که در روزنامه نوشته شود

اصفهان

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته امسال
 تابان در آنجا بشت گرم گردیده است بطوریکه کسانی که
 در غایت گرمای سدر اوشهر حرارت هوای آنجا را نود و هفت
 درجه تخمین نموده بودند درین اوقات گرمای اصفهان را

در درجه نود و نه و متحد کرده اند و روز به روز این گرمی
 هوادرتزاید بوده است و بجهت امتحان چند بیضه مرغ در روی
 سبک فرش عمارت پیش آفتاب که گشته بودند در شب
 و بطوری گرم شده بوده است که دست از حرارت او
 متاثر میشد است اما از قرار یک نوشته بودند این گرمی بر
 ضرری بکسی نرسید و ناخوشی از همه سالها کمتر است

خراسان

از قرار یک از خراسان خبر رسید و نواب مستطاب بفرمان
 و الا بتبار فرمانفرما در طی تخریرات آنجا نوشته بودند این
 اوقات طایفه ضاله ترکمانه از آق سقالان قلاع و قرا
 و او بیخبات که اکثرا شین بسوکنده و این مشتق شده او
 بقدر پانصد نفر سواره بفرم تاحت و نماز قریه افریبه کنگی
 از قرار سرحد قوشخانه است آمده بعد از رسیدن آنها

بقریه مزبور امانی آنجا مستحضر شده بودند که گشته بودند
 مسرفت شوند را دو خوردی با اهل آنجا کرده پس از مجادله
 بسیار مشغول چراندن محصولات آنجا شده بودند خبر عاجز
 یزدانوی روی خان برادر مقرب الخاقان سمانان الیخانی
 رسیده بود بچند استحصار سواره و ششجایی آنچه دسترس بود

بلاتامل روانه کرده است که خود را بجای خان بیک نایب
 قوشخانه برسانند و باید امانی قریه مزبور بروند مثل آنکه
 بچشم رسیدن این سواره و ششجایی سواره سرحد قوشخانه را

جمع کرده بیک امانی قریه مزبور فرستاده است و قریه رسیده بودند
 که طایفه ضاله ترکمانه از گرفتن قلعه مزبور ناامید گشته
 بهان سوختن خرمنها و چراندن محصولات آنجا کرده بودند
 و لکن بجای یزدان و میردینان بفرستادن سواره سرحد

۱۱۹۳

مسلحین نشسته و قد رست الله آثارا با سواره و شمشیرچی دیگر و
 ساخته بود که متعاقب آنها بروند از انظر فکرم طایفه ضال
 ترکمانیه تدبیری بحاطرشان رسیده خواسته اند شوی خجلی
 از سمتی برپا نمایند و از طرف دیگر دست برداری بر نزد قریب
 سوار بایل و کلنگ و زود بانهای ساخته شب بر سر خرابی
 که مجبوره سرحد قوشخانه است تاخته و احراق قلعه را گرفته اند
 نزد بانها بالارفته بودند در حالتی که مردان آن قلعه مجاورت
 اهل افریژه رفته بودند و بجز زنها و عیالشان کسی در قلعه نمانده
 باقی نمانده بوده است و قلعه از مرد جنگی خالی بوده است
 جان زنها پس از استحضار از روی غیرت مردانه کوشیده
 جنگ و جدال کرده بروج را از دست آنها گرفته سی نفر آنها
 زخمی کرده بودند بعد از مجادله بسیار که طایفه ضال ترکمانیه
 از گرفتن قلعه منبوره مقطوع الرجاء و ناپوش شده مرتبت
 کرده بودند بعد از محبت آنها قد رست الله آثارا با سوار
 و سایر سربگردگانی که در قریب افریژه جمع بوده اند کینفت
 مستحضر شده سواره و شمشیرچی حاضر و مستعد را بر داشته
 بزم جلو گیری آنها حرکت نموده اند طایفه ضال ترکمانیه از
 دیدن بیدقما و رسیدن سواره بسیار متوحش شده
 بعد از مجادله و محاربه تاب مقاومت نیاورده مرتبت نمودند
 و سواره یزدان و یردینجان شکست فاحشی بان سوار
 نفر سوار واده و آنها را مغلوبا و مشکو با از آنحد و بیرون
 کرده بودند از قراریکه نوشته بودند سواره نجایر و انور و سوار
 همه جهت قریب چهارصد نفر بوده اند و با این قبیل جمعیت
 نفر سواره ترکمانیه را شکست داده اند چون این خدمت عجا
 مبارک را زیاد از اندازه مستحق و مقبول نماظر اعلیٰ نیست

۱۱۹۴

شامشای افتاد از اینفر اخلعت نشان جماین بافتن لچاه

جبهه بر ترمه
 نشان از بره اول سر حامل سفید
 قطعه
 یرزدان و یردینجان محبت و ارسال فرمودند که عیال
 امید واری سایر خدمتکاران بشود

عراق

نواب محمد تقی میرزا که چندی بود در بلخ و شب دار بودند
 درین اوقات شب به یرقان منجر شده بر حمت ایزدی

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند درین
 که مرحوم محمد تقی میرزا بعراق بودند انتظام کلی امور
 ایجاد داده بودند از قبیل گرفتن وزد و قطاع الطرق
 و انتظام امر سرباز و سواره و سان آنها و قرار کار
 رعیت بسیار استقام داشته اند و بعضی امانی بلوکات
 عراق که از تعذبات حکام و مباحث شرین بق خودشان
 بوده اند آنها را عوض کرده و حکام دیگر بجای آنها برضا
 اهل بلوکات نصب نموده و التزام گرفته بودند اند
 که دیناری بر رعیت اگر بیادتی و اجحاف نمایند مورد
 مواخذه باشند همچنین در وقت ورود بعراق نیز
 در هیچ یک از منازل با اسم سیورست از رعیت
 چیزی گرفته بودند و هر چه ضرور داشته اند به پول خرید
 بودند و عموم اهل عراق کمال رضامندی از حسن سلوک فرجام
 داشته اند

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه پنجم بهمن ماه بعد از اعیان سال ۱۲۷۰

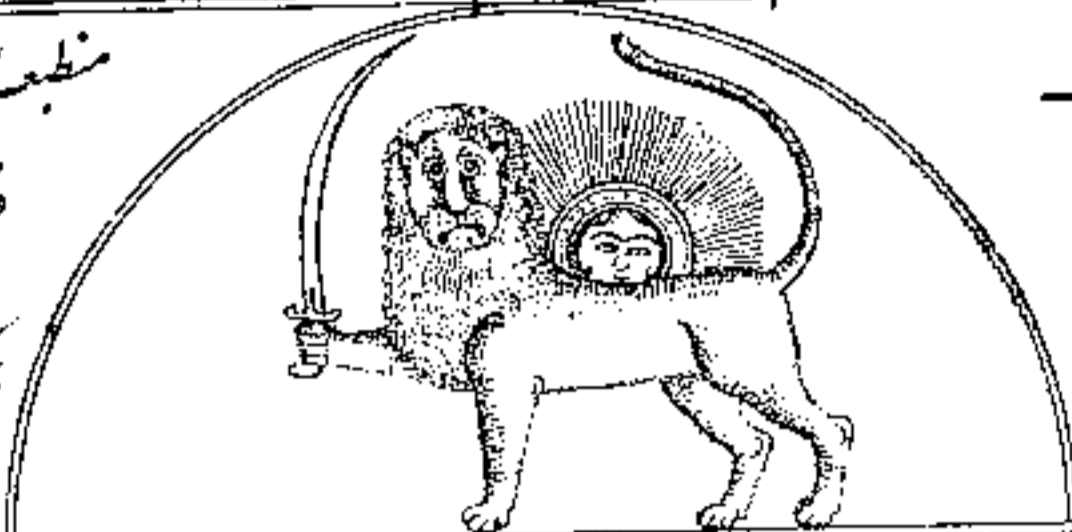
نزد صد و شصت و شش

منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

یک خط چهار سطر یک روز

بیشتر به هر سطر



قیمت روزنامه

یک نسخه ده سطر یک روز

در ماه چهار هزار

اجتماع چند مالک محروم شاهای

دارالخلافه طهران

سرکار اعلیحضرت پادشاهی چنانچه در بنفد گذشته کوشش نظر بانکه فریاد فحی که متعلق بجناب جلالت تاج اشرف

افخه صد اعظم است جایست بسیار با صفا و ارجحیت بیادیت بسیار خوش آب و هوا تشریف فرمای آن صحیح

شده روز سه شنبه تشریف فرمای افخه شده در بین راه نیردات با صفا و فضا بسیار بودند در حد جا لوازم استقبال

و قربانی و دعا کونی وجود مبارک را بجا آورده در ورودی نیز جناب اشرف معظم آنچه لازمه استقبال و پیشکش و پائند

بود و بعد آوردند و چون در آنجا از جناب و هوا و فضا بسیار بر وجود مبارک خوش گذشت و مطبوع طبع هایون افتاد

پنج روز در آنجا توقف فرمودند و روز یکشنبه را بگذرانیدند که آنهم متعلق بجناب اشرف معظم و بسیار با صفا و فضا

تشریف فرما گردیده و دو شب نیز در آنجا تشریف داشتند و روز سه شنبه ماه غیرت

بسیار خوب از عهده لوازم خدمتگذاری برآمد لهذا اعلیحضرت اقدس هایون موازی یک ثوب جبهه تریسما ممتاز با و خلعت مرحمت فرمود

چون ثواب حمد بقای سرزاک حکومت عراق نیابت از جانب ثواب اشرف و ان قاسم خان امیر نظام با و حرمت

برحمت ایزدی پیوست اعلیحضرت اقدس شاهشاهی عالیجاه مقرب انخاقان میرزا احتشاجان برادر مرحوم میرزا تقی خان

مخض مرحمت نیابت حکومت عراق منصوب فرموده خلعت و فرمان هایون التفات شد که این روزها خواهد رفت

عالیجاه حبیب الدخان پسر حسره خان کرمانی که سابقا در آنجا

شهر اربل و چیه را بنحاک پای هایون آورده بود و در کابینا بود و مخض مرحمت در حق او موجب عنایت فرموده یک ثوب قبا

زرعی و یک طاقه شال ترمه با و خلعت مرحمت و عنایت

در روزنامه شهر نوشته بودند که ثواب استغاثه شاهزاده و ابان

ار و شیر میرزا حکمران دارالخلافه طهران و توابع بر حسب حکم

چون عالیجاه موسی خان ناظر سپهر جناب جلالت تاج اشرف

عظم در ایام تشریف داشتن به کلب هایون و افخه

پادشاهی مجلس فائده خانی در مسجد سلطانی برای نواب
 محمد یحیی میرزا اصفهانی نموده تا سه روز با مجلس تقریب نشسته
 و سایر شایران و کاندکان عظام و علماء و فضلا و مجلس فائده خانی
 شده تقریب داری شایسته نموده اند و عموم فقره و مسایله
 اطلاع کرده روز نهم مجلس فائده را برای وجود مبارک
 اعلیحضرت پادشاهی ختم نموده چیده اند
 و یکروز روزنامه شهر نوشته بودند که حضرت نام طهرانی که
 سبب وزدی سرد و دست او قطع گردیده بود با دست
 بریده باز مرکب عمل سرفقت می و درین کار جری و مرم
 از سابق شده بود او را گرفته حسب حکم نواب میرزا
 خود رسانده اند

و همچنین وزدی دیگر سوسری رضانا نام در این اوقات
 مرکب سرفقت شده بود او را گرفته نیز نواب میرزا
 بعد از تحقیق که معلوم شده بود بکرات وزدیها کرده است
 حسب حکم نواب معزی الیه او را بقیه و سیاست و بعد از
 مهار نموده در دور کوچه ها و بازارها گردانیده و اخراج
 کرده اند

سایر ولایات

اوربا بایجان از قرار یک از اوربا بایجان نوشته
 بودند قبل از شریف بردن نواب میرزا و الایته
 نصره الدوله و مقرب انخافان قایم مقام باور بایجان
 حاج سید احمد تاجر اصفهانی بسرفقت برده بودند
 بعد از شریف بردن ایشان به تبریز آدم برای تقشیر
 حاج میرزا فرستاده مال میرزا را در کن رارسید
 آورده در روز پانزدهم این ماه ذی قعدة آورده بعضی را

که موجود بود و بصیغه و آنچه مفقود شده بود قیمت از او
 مقرب انخافان قایم مقام حاج میرزا کرده اند

خراسان

از قرار یک از خراسان نوشته بودند ترکانان از
 در آن صفحات بنامی ساختن قلعه گذاشته بودند عالیجا
 محمد رحیم خان نایب الحکومه بخوار دستخیز شده با جمعی
 تاخت قلعه رفته بودند چون قلعه نام شده بود نتوانستند
 کاری بکنند بعد روزه پانزده نفر اسیر از خارج قلعه گرفته
 معادوت کرده بود ترکانان جمعیت کرده بتعاقب او
 آمده بودند در بین راه رسیده کار بجاده و محاربه
 گردیده با الاخره بعد از کشتن و کوشش بسیار ترکانان
 سگت فاحش خورده عالیجا محمد رحیم خان سی نفر
 و چهل نفره سر و بقدر صد ریس اسب از آنها گرفته آنها را
 تعاقب کرده بطوری فرار نموده بودند که بسفله خود هم فرصت
 نکرده بودند بروند قلعه را خالی گذاشته کلاً و طراً فرار کرده
 رفته بودند

و یکروز روزنامه نوشته بودند که قافل از بخارا بارض
 اقدس می آمده اند چندی در خراسان معطل بوده بسبب
 ترکانان سرخس نشین در باب فرستادن قافل مختلف
 بودند طایفه اتمش خیال برسم زدن قافل بخارا را در نظر
 داشتند و طایفه تقمش منظورشان آوردن قافل بارض
 اقدس بود درین اوقات چند نفر از ترکانان متوقف
 درض اقدس تیه و تدارک نواب سید طالب میرزا
 فرمانفرمای خراسان را در غنیمت بهمت خراسان و آن اطراف
 و اهتمام مقرب انخافان وزیر نظام را در انجام لوازم

ملاحظه کرده بودند به ترکانان سرخس اعلام کرده بودند که
 نواب هزاره سان قشون می بینند و غرمت آن
 دارند ترکانان سرخس خواسته بودند حسن
 خود را نگاه سازند موازی یکصد و دوازده شتر بار
 بخارا و سایر مال تجار تی را که در سرخس بود پنج نفر
 از رئیس سفیدان که برده شده نسبت از سرخس
 آورده اند تا اقی در بند رسانده از ایجاد و نفر
 بجهت اخبار خدمت نواب فرمانفرما و ستاده بودند
 معری الیه انهار را مورد لطف استاخته و عا ایجاد
 با چند نفر سوار فرستاده اند که فاعدا با بعضی
 دیگر نوشته اند که نواب فرمانفرما در میدان ار که بجهت
 سان سواره دسته جات خرسانی آمده بودند توپها
 ملاحظه نمودند که عراد های آنها پیش روی آفتاب است
 و چوبهای عراد از آفتاب شایع میشوند و مسخین
 در سایر اوقات برف و باران اسباب این است
 توپها رنگ بر میدارند بقریب انخاقان و زیر نظام مقرر
 داشتند که در همان سمت که توپها را گذاشته اند دور
 چوب بندی نموده و سقف آنرا پوشند که توپها همه
 در زیر سایه بوده از آفتاب و برف و باران ضرر
 ببرد و های آنها نرسد و حسب الامر درین روزها با تمام
 بجهت توپخانه جای خوبی شده است
 و قسم چنین خرابیهای برج ه باره ار که را مقرر داشته
 که تعمیر نباشد و کنگره او را نقلها از کج ب بندند و حسب
 بنا و عمل مشغول کار میباشند و عمارات قدیمی ار که
 نواب حسام بسطه تعمیر و تازه سازی میکردند در جا

که نامهای داشت بنا و عمل انداخته اند که باصفاء و اکیره
 با نام برسانند و قورخانه مبارک را نیز قرار گذاشته اند که
 بزرگتر سازند که بجهت اسباب قورخانه جا داشته باشد
 و درین اوقات مشغول ساختن آن میباشند

فارس

از قرار یک روز نامه فارس نوشته بودند در شب
 پانزدهم ماه شوال سه ساعت از شب گذشته زلزله
 شدیدی در شهر شیراز واقع گردیده بود بطوریکه جمیع
 مردم از مکانها و خانههای خود فرار کرده بودند و کفن از
 نقصانات خداوندی جانی خراب شده و یکی از بیت
 نرسیده بود

دیگر نوشته بودند که بواسطه زلزله که سابقا در شیراز
 یافته بود خرابی کئی بعمارت دیوانی دارک و قلعه شهر
 و مسجد و بازار کرخانی بهم رسیده بود درین اوقات
 نواب مستطاب مؤید الدوله طاسب میرزا حکمران
 فارس و جی بجهت مصارف بنانی بهر کجا معین و حواله
 نموده اند که باستصواب مقرب انخاقان حاجی قوم الملک
 و میرزا مصیم مستوفی و عبد الله خان معمار باشی خرابیهای
 مرزور بنانی و تعمیر شود و حسب الامر بنا و عمل مشغول کار شد

دیگر نوشته اند که نواب مؤید الدوله در سیم اینها ذی قعدة
 بمیدان در باب خانه آمدند و لشکر نویسان عظام و حضور سان
 سر بازان جمعی مقرب انخاقان عبد الله خان حارم الدوله
 و افواج کلپایگانی و شیرازی و توپچیان ساخلفارس را
 بوقت دیده و سید کی کل عمل نموده اند

۱۱۹۷

کرمانشاهان

در روزنامه ایولایت نوشته اند که نواب مستطاب بنیر
والایبای عمادالدوله امامعلی میرزا حکمران کرمانشاهان در باب
اعیشت طرق و شوارع آن صفحات هشتاد و نه دارند درین
اوقات در تفریق از جماعت بمشغولی گرفته بوده اند
نواب محسنی الیه آورده و بعد از تحقیق که معلوم شده بود
سالیها بعل سرق و قطع الطریق مشغول بوده اند حکم بسیار
آنها نموده اند

دیگر نوشته بودند که از خانه حاجی عبداللہ نام که خود
بزیارت بیت اللہ محرام رفته بود قدری اسباب
بودند و بعد از رفته مقر و غنغن شده بود که اموال مسروبه
پیدا نمایش را الیه باسخانه رفته معلوم کرده بود که همان
چند نفر در آنخانه همان بوده اند آنها را اذخر کرده بیکدیگر
سرق و شرارت از او ظاہری شدگان برده او را بخارج خود
برده و بعد از تحقیق مشارالیه او را بوقت اسباب
نموده حسب حکم نواب معینی اسباب مسروبه و بعضیها از او
و بعضیها تسلیم شده و سارق را حکم مجسب نموده اند
در ثانی حکم آن بشود

دیگر نوشته اند که سواره احمد و دشتویرا که احضار برکا
جایون شده بودند نواب عمادالدوله آنها را احضار نموده
و سان آنها را دیده بمویشان را از قرار دستور العمل برداشته
و در این اوقات روانه دریا بجایون حوا
شد

دیگر نوشته بودند که عالیجاه پشن صاحب معلم افواج
کرمانشاهان در مشق اشکها نهایت وقت و سعی را محمول میداد
و صبح و عصر روزی دو نوبت آنها را مشق میداد و همچنین

جماعت کوچکی جمعی عالیجاه اللہوزن خان در مشق کمال سعی
دارند و هر روز از صبح تا چهار ساعت از روز با لاله
در میدان مشغول مشق میباشند

دیگر نوشته بودند که نواب عمادالدوله بقدری نغز از سوار
جمعی عالیجاه آقا سید احمد را در کردنه بید سرخ که سابقا
قطاع الطریق و اشرا بود که آشته اند که متوجه راه باشند
از دزد و قطع الطریق استیسی بجا برین و مترو دین ترسد و
المرام از آنها گرفته اند که اگر مال کسیر او را آنجا دزد ببرد از غنم
بر آید

دیگر از فراری که نوشته بودند اسامی انولایت بسیار گرم
شده و ناخوشی زکام و غیره در میان مردم بسر سیده است
و بعضی از اطفال هم بناخوشی حنائی تلف شده اند

کرمان

از فراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند امیرالاعظم
محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان در رفاه حال
رعایای آنجا و پیشرفت امور عیسی نهایت سعی و مراقبت را
که رعایای آنجا ایگای عیسی بازگاشند

از فراری که نوشته بودند درین اوقات برنج و تنباکوی
از سمت فارس بکرمان آورده او نهایت دانی و از آنجا
حبیب نامی در کرمان نوشته بودند درین اوقات دزدی
کرده بود او را گرفتند بنزد امیرالاعظم سردار آورده بودند
بعد از تحقیق سزاقت او حکم کرده او را است نموده بودند

دیگر نوشته بودند که امیرالاعظم سردار در خارج شهر
چادر زده و جایه میرزا شعیب و بر بشارتین دیوانی هر روز در آنجا
بجبهه ملاقات و محبت میرزا شعیب و بر بشارتین حجت می کنند

اخبار دول خارجه

انگلیس تاریخ کاغذ آخر که درین روزها از لندن پای
 انگلیس رسید ویم شهر سوال بود و از پاریس پای تخت
 فرانسه سیوم ماد مزبور و از ویست پامی تخت استریت
 ۲۹ رمضان در روزنامه انگلیس نوشته بودند که دولت
 فرانسه قرار گذاشته اند بجهت قسطنطنیه خود که درست شمال
 انولایت جمع کرده و اردو روزه اند آنچه آذوقه و خوراک که
 لازم داشته باشد از ولایت انگلیس ببرد از جمله کاوه
 که مقدار مملکت ایرلند و علف خشک از برای اسبان تنجا
 و سپاهان سواره نظام از خود شهر لندن و بعضی چیزها
 دیگر که قسطنطنیه را لازم است از سایر شهرهای اطراف ولایت
 انگلیس پیش این است که اردوهای مزبور که درست
 شمال مملکت فرانسه میباشد در نزدیکی کناره دریاستند
 بجهت کمی اخراجات محل و نقل بارها که از مملکت انگلیس در روی
 لستی باسجای آورند آسانتر این است که از خود ولایت
 فرانسه از راه خشکی بیاورند و اخراجات آوردن آذوقه
 فرانسه بسیار آسانتر است که از انگلیس ببرد
 در شهرهای فرنگستان که دغال سنگی زیاد مصرف می
 بخار دغال بوارا بد میکنند و هر چه بیرون است بیاورند
 ازین جهت در شهر لندن حکم شده است که دو کشتی بخار
 خانها را بطوری بسازند که دو دغال دوباره بمیان
 بر کرد و خود بخار سوخته میشود بظرفی که بخار او از بیرون
 بیچ محاسوم نمی شود و این حکم از چهارم شهری قنده فرار شده
 که مخرجی بسود

فرانس

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند بجهت
 امپراطور فرانسه بازوجه خودش بنا دارند که سمب شمال
 انولایت سیاحت بکنند و بار دوامی قسطن که در آن
 اطراف جمع میشوند بروند و در بیت و چهارم ماه سوال
 از پای تخت حرکت خواهند نمود و بجهت روزه محبت

پاریس بنمایند

دیگر نوشته بودند که غله در ولایت فرانسه تنزل کرده
 از آنرا که در فصل بهار و اول تابستان بارندگی زیاد
 شده بود و حاصل از هر قسم بسیار خوب آمده بود و امید
 بودند که از فراوان شدن غله امسال تلفاتی ضرر سال گذشته
 را بنمایند بجهت اینکه از ولایات دور غله از هر قسم آورده
 بودند در آن مملکت بجهت آذوقه عسرت دشمنی می کشیدند
 و در اول بهار بجهت نیامدن باران شوشکی داشتند مردم
 بدعای طلب باران میرفتند حال از فرار روزنامه که می
 تقصیرات خداوندی شامل شده در چند جا های نزدیک
 پاریس که بسیار در آن فصل اسب دوانی می کردند در آن
 اوقات اسب دوانی کرده بودند و لکن بختی بارندگی
 شده بود که مردم متوانستند بودند مانند سالهای گذشته
 زیاد تماشای بیابند و کمباران سالهای دیگر آمده بودند

در شهر پاریس و آن اطراف بجهت تفریح و تماشای
 سوار می شوند و بروی آب کشتی میکنند و سال سال
 در میان جنق زیاد تر متداول می شود سابقا اهل پاریس
 داخل مملکت فرانسه بکشتی در روزی نشتن چندین

۱۱۹۹

می نداشتند اما درین ایام چونکه کشمیر را بهتر و تندروتر
ساخته اند مردم آنجا زیاد و مایل شده اند که در روی آب
با کشتی و زوق کشت و تفریح نمایند خصوصاً امسال که کشتی
ساخته اند که از راه رودخانه سین و دریا و رودخانه
طلس کیر از پارس بگذرن میرود و اخراجات سفر این
راه بسیار کمتر از سفر از راه خشکی است

چنانچه در روزنامه های سابق نوشته شده است درین
شهر پاریس را زیاده تعمیر و آرایش و زینت میدهند و کوچه ها
و سیج می نمایند و بجهت وسعت دادن کوچه بعضی خانه ها
عمارات قدیم را با باده خراب میکنند از جمله یکی از عمارت
بزرگ است که سابقاً محبوس خانه دولتی بود و اسم او
ایه است و عمارت که در ایام اغتشاش است و دو

سال پیش ازین یاغیان و مفتدین آن ایام پادشاه
با عیال و اقوامش در آنجا محبوس کرده بودند در ایام
ناپلیان اعظم حبس محکم آنجا را خراب کردند اما وقتیکه
لوی بیچیمسم که از اولاد پادشاهان قدیم فرانسه بود
دو باره بتاج و تخت آن مملکت رسید در جانی که این
بود عمارتی دیگر ساخت مانند جای تعمیر بیاد کاری محبوس
شدن پادشاه سابق با عیال و اطالاش درین روز
آن عمارت را خراب می کنند بجهت ساختن کوچه های نو
و احتی برده شدن چنین جانی که با دکار ایام اغتشاش
و خونریزی ولایت بود بهتر است

چون در فرنگستان هر روزه تردد سیاح زیاد می شود
سعی و کوشش نمایند که از هر سبب مخارج کم شود که مردم
در سیاحت سوده باشند هم با آنها خوش بگذرد و اسباب

مخارجشان کمتر شود از جمله مهاجرتها که بجهت شستن خلق
بنا دارند که در شهر پاریس مانند مهاجرتهای یکنی و پنا
مهاجرتها بسیارند که سیاحان در آنجا منزل نمایند و هر چه
سجواهند از برای آنها بنیاد آماده باشد و مخارجشان نیز کمتر
باشد چند نفر از دولتمندان شهر پاریس شرکت درین
عمل کرده اند و امید دارند که تا سال آینده در مقام فصل
بهار کسوده شود که در آن وقت عمارتی بنامی کنند بجهت
گذشتن نمونه اجناس کل روی زمین

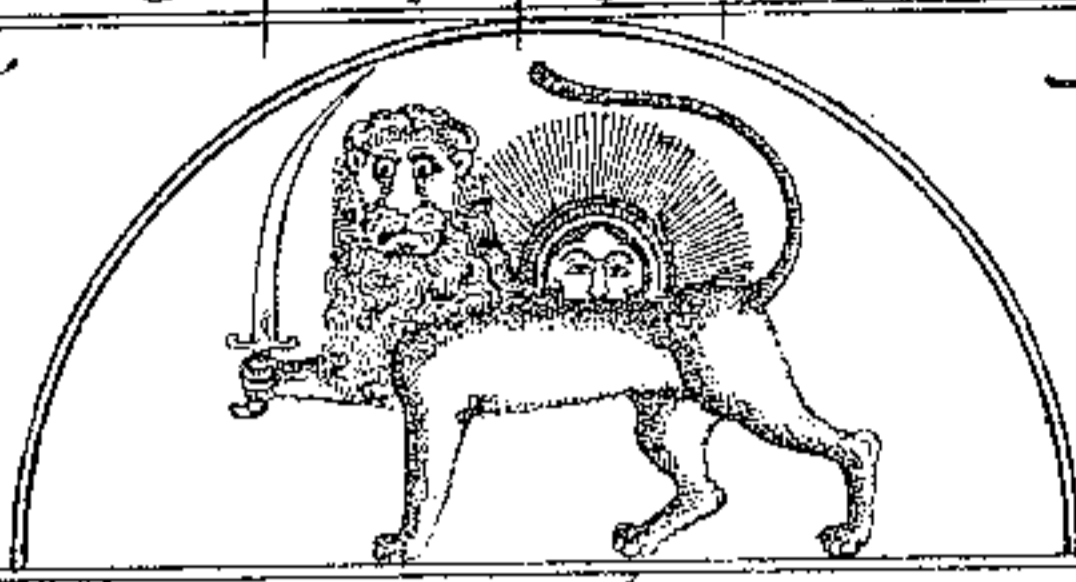
دیگر در روزنامه پاریس نوشته اند که روجده امپراطور
فرانس بنا داشت که باب کریم پیمان برود قبل از آنکه
همراه امپراطور با دو می سمت شمال فرانسه برود

سایر ممالک فرنگستان

در مملکت اسپانیول که درین دو سه ماه گذشته
و برسم حوزو کی شده بود و چند نفر از اهل آن ولایت
محبوس کرده بودند از فرار روزنامه آخره باره در آن
ولایت نظم گذاشته بودند و ولایت آرامی گرفته بود
و دول فرنگستان سعی و کوشش میکرد که نظم در امورات
سویس بگذارند بطوری که خود اهل آن ولایت راضی بشوند و بحث
و گفتگویی که مابین آن دولت با دولت استریت قطع
شود و در میان اهل آن مملکت که دو تیره هستند بنامی
در مملکت ایتالیا نظم سخت نگاه میدهند زیرا که کلان
داشتند که خلق مجال یافته ده باره شوب برپا نمایند و
تا بحال معذین نتوانسته اند این نظم را برهم نزنند

روزنامه قاجار اتقا و سیاست پویم ششم تا دوشنبه امشب سال با رسنیل ۱۲۷۰

پنده هشتاد و نیت
قیمت روزنامه
یک نسخه پانزده ریال
هفتاد و چهار سکه



منطقه دارا اخلان و طهران
قیمت اعلانات
یک سطر از چهار سطر یکصد و پنجاه
بیشتر با هر سطر

اخبار و چند مالک محروم پادشاهی

دارا اخلان طهران

علیحضرت پادشاهی که با فخر تشریف فرما شده بودند در روز چهارشنبه در ماه ذی قعدة بعمارت مبارک نیوران سعادت فرمودند چون هوای شیرین است حال نسبت سابق بهتر شده است یعنی روزها را عصر علیحضرت پادشاهی سواری شوند و صحیح است تفریح میفرمایند

روز پنجشنبه بیست و نهم ماه گذشته در قبة خندان کفایت نصیب احمد و فوق افندی ایلی بلبیبه دولت عثمانی شرفیاب حضور آمدن شد حضرت انصاف از دربار این دولت علیه را از حضور جایون شاهنشاهی حاصل نمود و عالیجاه قیامت همراه جید افندی مستشار خود را در غیاب خود بمصلحتی ازای قرار داده کیفیت را رسانید دولت اظهار کرده و ما روز جناب جلالت آبا بجد اشرف صدر اعظم را نیز ملاقات نمود

چون از حسن کفالت و استقامت نواب شاهزاده و آبا

نصرة الدوله صاحب اختیار مملکت آذربایجان و میرزا صادق قائم مقام امور آن مملکت در کمال نظام درستی و مطبوع خاطر دولت ابدت بود و مرتب در خاکهای جایون زیاد مقبول و سخن افتاد لکن یک ثوب قبای زری سنگ و ارازل بوس خاصه تن مبارک برای نواب معزنی الیه و یک ثوب جنبه ترمه از طابلس خاصه بجهت مقرب انخاقان مشاء الیه برسم حلت رحمت

چون مراتب استقامت مقرب انخاقان آقا محمد حسن بود در نظام امور آن و خدمات مرجوعه بجهت مقبول خاطر ملوکات افتاده درین اوقات محض رحمت مکتوب جنبه ترمه برسم طابلس نواب که مقرب انخاقان الیه بر فرمود مقرب انخاقان حاجی علیجان حاجب الدوله در انجام مرجوعه مراتب خدمتگذاری و کفایت خود را در پیشگاه حضور جایون ظاهر ساخته مورد عنایت ملوکات گردید لکن یک ثوب جید تر از طابلس نواب که مقرب انخاقان الیه بر فرمود عالیجاه حسنعلی خان افشار پیشخدمت که ما مورخه است

۱۲۰۱

بروز ما موافقت خود را انجام داده درین روز ما بدر با بانیان
مراجعت نمود

چون این روز تا فوج دوم تومان دویم تبریزی باذن
دولت مخصص خانه شد نظر باینکه جایگاه صحیح باقرخان
فوج مزبور در ایام توقف در آنجمله بمینه قرار اول ارک و عمارت
مبارک بود و در مراسم عقدگذاری اتمام نمودند یک قطعه نشان
سرسکی با یکجا و شال با و حرمت کردید و جمیعین یک قطعه نشان
مرتب اول یاوری نیز بجایگاه پابیک باور حرمت

عایجه عبا سفلیخان یاور توپخانه و خدمات خود مراسم
معمول داشته است درین روز صاحب الاموال فارس عایجه
بنصب سرسکی توپخانه مبارک که سرافراز گردید

از جمله کارهای ثواب عظیم که خیر عامه مستحق در آنست که درین
روز ما حکم با حقن آن شده و کم مانده است که تمام بسود
راه کشتن بالای افج است که رایست از دار آنجمله بمانند

میرود و بسیار سخت و صعب بود و بجهت عابرین و مستردین
زحمت و صعوبت کفلی داشت بلکه در کمر جانای روی زمین باین
سختی راه بهم میرسد و راه مزبور را هیست که ترود زیاد از

انراه میشود و در پنج و ذوقال و سایر چیزها که از ما زنده ران
بدر آنجمله می آید اغلب از آن راه می آید و هر سال مال زیاد در
تلف میدهد بلکه بعضی سالها آدم نیز تلف می شده درین حال جناب

جلالت اب شرف انجم اگر م صد عظیم محض رفاه حال عابرین
مورد دعا کوفی مقرر داشته اند که عمل در آنجا که
راه مزبور را بطور خوب ساخته اند سنگهای بزرگ در کنار
چیده و با سنگهای کوچک حقت بست کرده مانده است

که عبور مال و آدم سهولت می شود و مسافتین راه مزبور
باعث دعا کوفی مقرر می شود که از آن راه عبور می نماید

و رسم چنین برای حصول دعا کوفی تجبه و جو و مبارک علی
پادشاهی امان داده که در لو اسان در قریه باران بود
جناب جلالت اب شرف عظیم مقرر داشتند که شروع ساختن
آن نموده در کمال مبارک باشد

سایر ولایات

فارس از قریه که در روزنامه فارس نوشته
چون بواسطه آفت سن و طبع خوارگی رطوبت و ذرات کار
انجام سال متضرر شده اند صنایع و مباحثین و حیات

اطلاک خدمت ثواب مؤید الله و له حکم ان فارس آمده
مستعدی شده بودند که زراعت آنها را باز دید نمایند و
تزاری بگذارند که از عهد زراعت آینه بتوانند برآید

نواب معزی آینه نیز محض رفاه حال رعایا که سرگرم
و زراعت آینه خود باشند غیر این صاحب قوفت
از بلوکات تعیین نموده اند که باز دید حصول هر جا را نموده

عمل هر محل را موافق عدل و انصاف جمع میباشد و در باب
نمانند که بتوانند از عهد مال دیوان برآید از قریه نوشته
خرابی محصولات فارس درین سال نیز از سالهای گذشته

چنانچه حال که موقع ارتفاع محصولات است و در کمر
بند و شهر و اکثر بلوکات آنجا که کم باب و ترفی کفی وارد
کر سیرت کارشناسان تعیین گردید است
دیگر نوشته بودند و تفرات گشتن انجمن مقرر است
پوشه وار و شیر از کردید ثواب مؤید الله و له بلاحظه
و سنی و دلسین آدم با حوال پرسن آنها فرستاده اند

شماره ایهام بجز فوایب سبزی الیه رسیده اند و التفات نسبت ایشان بهی آورده اند

دیگر نوشته بودند که چندی قبل ازین مذکور شد که چند نفر از طایفه شیبی در پنج شش منزلی شهر مکت سرفت و راه می روند و بر سر قله آمده اموال آنها را بسرقت و غارت می برند نو آب میویدالدوله عالیجاه محمد ضیاخان کشیکچی باشی خود را با چند نفر سوار فرستاده امیر از مزبور را دستگیر کرده کهنه آورده بعد از تحقیق چند نفر آنها را که معلوم شده بود بی گناه هستند مرخص نموده و سه نفر آنها که از سارقین و راهزنان مشهور و وزومی آنها تحقیق پیوسته بود بوقیبه و سیات موده اند

دیگر نوشته بودند که نو آب میویدالدوله نظر بر غایت فقر و ضعف و حصول دعای خیر در تعمیر اجناس آنجا رسیدگان می نمایند و نرخ اجناس را آنها امکان کنترل دادند مراقب هستند و فقر از اینجایی برآورده اند و دعا گویشان

دیگر نوشته اند که در اوایل ماه گذشته ذیقعه باد و طوفان بسیار شدیدی در صفحات کریمات و قوق باقی که بقدر صد هزار اصل نخل از نخلات قیرو کارزین و لار از ریش کنه و هوا بیره و تار شده بوده است بطوریکه روز روشن مانند شب تار گردیده بود و بعد از آن شراب باریدن کرد که نموده و سیل در رودخانه جاری گردید

حراسان

از قراریکه در روزنامه اینولایت نوشته از حلف شاهنشاهی که بجهت نو آب مستطاب شاهزاده و الا تبار میویدالدوله نامهای ملکات حراسان رحمت شده بود عالیجاه

محمد خان حامل خلعت در ۱۷ ماه ذیقعه وارد و بجهت معزای لیه لوازم استقبال و احترام را بعلی آورده و خلعت اقتاب طلعت را زینت برود و شش مباحات ساخته اجزای شیبیک توپ و صرف شربت و شیرینی در خلعت پوشان کرده اند

دیگر نوشته بودند که شاهزاده محمد یوسف که نوکر و خدمت این دولت است و اولیای دولت علیه تقسیم حدود و بعد از او محول دو و نگارده هشته بودند برای رفع و دفع تاحت و تاز و بی اعتدالی بر مکان محدودی از سواره فرستاده رفته اند جهت هزار کوفته و پانزده نفر از طایفه مزبوره بدست آورده آنها را مکت حاشی و اد

و در مراجعت مکت بطایفه مزبوره رسیده در ثانی بنای مجادله که اسشته طایفه مزبوره اینقدر کرده اند که ده هزار از کوفته خود بر گردانده اند و لکن سواره مزبوره در مجادله ثانوی هم چند نفر از آنها را بقتل رسانیده ده هزار کوفته را با اسرانی که بدست آورده بودند همراه خود برداشتند جهت کرده اند

دیگر نوشته اند که مغرب انجاقان و زیر نظام و متولی باشی بخوار که در خارج از حد است میفرستد در راه اما مسجد حجاز بنظر آورده جو یا شده بود گفته بودند که در قدیم اینجا مسجدی بوده و گویا موقوفاتی هم داشته است معمار گذاشته بر آوردن بنای آنجا را نموده و تخراب داده است که آنجا را مسجد حویلی بنامند و بعضی زمین بلا مالک لم بزرع هم در اطراف آنجا بوده است از حاکم مشرع اجاره کرده و قرار گذاشته باع نمایند که متعلق به آن مسجد است

۱۲۰۳

چون جعفر آقای کلانی چندی بود در ظاهر اظهار اطاعت و انقیاد
 خود را نسبت باین دولت جاوید پیاوسته نمود و لکن در باطن
 بنای مخالفت گذاشته از روی صداقت حرکت نمی نمود
 و با از جاوه خدمت بیرون برده بود لکن اولیای دولت
 علیه بنواب مستطاب شاهزاده و الا بتبار هژما نفر ماه مقرب ^{انخافان}
 وزیر نظام نوشته مقرر داشتند که در عهد کوشمال او برآید
 جمعیت و استعدادی بجا فکلات نفرستند که جعفر آقای
 گرفته کلات را متصرف شده و دیگر نیز در آنجا بگذرانند از
 و آری که این روزها از نواب شاهزاده معزی الیه خبر رسیده
 این اوقات نواب فرما نفر ماه مقرب ^{انخافان} وزیر نظام
 جمعیت روانه کلات شده چون مقدمات تدابیر کار را
 حسب الاشاره اولیای دولت نواب فرما نفر ماه مقرب ^{انخافان}
 وزیر نظام قبل از وقت بوسیله عده از رافت و در محلی
 مردم و اهلینان غایب و الالی ^{انخافان} انجا با سوره خارج
 در مقابل و همچنین بواسطه کاغذ نویسیهای مذکور از مایه
 حالت وقت چنان فرامسم آورده بودند که مقدمه ^{قصص}
 فرامسم شده بود لکن ابجد و وصول قشون و توپخانه دولت
 جعفر آقای کلانی با اوضاع فرامسم شده سابق و لاحق
 تا بمتقاومت و خود داری در خود ندیده چاره را در فرآ
 دیده با چند نفر از کسانش از کلات بیرون آمده فرار کرده اند
 و قشون دولتی کاری باین صوبت را که در حقیقت تخیر
 کلمات از امور مشکوک مشهور میباشد با کمال سهولت و تسانی
 از پیش برده قلعه مزبوره را متصرف شده و الالی ^{انخافان} تجارا
 بشمول مرآسم اولیای دولت علیه امیدوار ساخته اند

۱۲۰۲

و نواب مستطاب فرما نفر ماه مقرب ^{انخافان} بنام
 کلمات کرده بان حد و تشریف برده اند که قرار و نظم
 درستی در امر آنجا داده یک نفر صاحب منصب صدق
 خوش سلسله کی در آنجا بگذرانند که با الالی ^{انخافان} بطور خوب
 حرکت نمایند و نظر بحسن ایشامی که درین خصوص از نواب
 شاهزاده و مقرب ^{انخافان} انخافان وزیر نظام ملاحظه
 بود خلعت انخاب طلعت بافتخار نواب معزی الیه
 وزیر نظام خواهد رفت

دیگر نوشته بودند که نواب مستطاب شاهزاده فرما نفر
 در روز دهم ماه ذی قعدة بمبزل مقرب ^{انخافان} انخافان
 و متولی باشی تشریف برده اند و مشار الیه ضیافت
 سنگینی نموده جمیع خوانین و صاحب منصبان نظام و
 غیر نظام در آن ضیافت حاضر بوده اند
 اخبار دول خارجه

درین هفته از اخبار دول خارجه چیزی نیست که بجز در حواله
 متفرقه نوشته شود احوالات متفرقه
 درین روزها دولت فرانسه بملکت پانامه که ولایتی بامریکا
 جنوبی و شمالیت چند نفر صاحب منصب و ادعای فرستاده اند
 که راهبها را ملاحظه نمایند بلکه نهری بجهت رود کشتیها در آنجا
 شود که کشتی که میخواهد از سمت مشرق تا غرب بسکلی و نیارود
 این دو مملکت را لازم نباشد که دور بزنند و میت که اهل
 فرانکستان خصوصاً انگلس و ونسه در فکر ساختن این اوست
 مسافتش از دریای تانار با بسیار کم است بلکه بیشتر از شش
 نیست لکن از ظهور بکه نوشته اند چونکه راهش کوه و سخت است
 این نهر بسیار مشکل است

جماعت کوی خرمال شد در اغلب جایهای روی زمین
 از جمله در فرنگستان بسیارند و در آنجا نیز هر صحرانشین
 مشغول همین کارها که درین ولایات و اراضی بسیارند و در
 مملکت مجارستان ازین طایفه بسیارند و درین اوقات
 استریه حکم کرده است که آنچه در مجارستان ذخیره
 اختیار کرده مشغول زراعت باشند و از بعضی اعمال
 ناشایسته دست بکشند

در ولایت نخلیس و بعضی ممالک فرنگستان که زیادند
 و نسبت بجمیعت زیاد و صحت زمین و محل زراعت کم و از
 علم زراعت را بحد کمال رسانده اند و بجهت قوت دادن
 زمین زبیل مرغابی دریایی را کوت میدهند و ازین زبیل
 مرغابی کشتیها از جزایر و جایهای دور دست بار کرده
 می آورند و بزراعت کاران بهیبت نام میفرستند و نفع
 میزند و درین روزها نوشته اند که بعضی از جزایر کوچک و بزرگ
 محیط معدل بسته اند نزد یک پیشکی دنیای جنوبی که از
 این زبیل مرغابی بسیار دارند و کشتیها با آنجا فرستاده
 که آنها را بار کرده بفرنگستان ببرند

درین اوقات قیمت ذغال سنگی در اهل بولسنت
 تری کرده است سابقا یک تن که تخمینا سه خروار بود
 شش عباسی ایران باشد بیست و دو هزار یا بیست
 هفت هزار میزدند حال قیمتش بنهفت تومان و
 شش تومان رسیده است بسبب زیادتی برود کشتیهای
 بخارا نخلیس و غیره چون معادن ذغال سنگی در آنجا
 دارند بخارا کشتی بانان ازین داووسند و معنی

بعضی اردو و هندوان نخلیس بخارا جمع کرده اند که اسباب
 شتی و سایر لزومات بخزند بجهت شیلات مملکت
 و امید دارند که منفعت خوب ازین کار ببرند زیرا که
 در آن شیلات فراوانست و جمیعت آنجا روز بروز
 زیاد میشود

معدن بزرگ که در فرنگستان در مملکت ناپولست
 و آنهم نزدیک بکوهای سوزنده که نزدیک آن مملکت
 میباشد در روزنامه آلمانیت چاپ شده اند که باو
 ناپولی حکم کرده است که گوگرد مذکور را بایل دولی که
 جنگ اند نفروشد

در طوفانی که در اول تابستان در مملکت نخلیس شده بود
 در قسمتهای بزرگ از قسم و رحمت بلوط از شدت باد
 کنده شده بود که یک خارش را بر آورد و حساب کرده اند
 و ویت و پنجاه ذرع مربع چوبت و آلت در و تخت
 از او بیرون می آید که بدویت و بیت و چچ تومان
 کرده اند

حساب کرده اند که یک فوج سرباز که میخواهد از مملکت
 بیرون برود که تخمینا سیصد و شصت فرسخ مسافت است
 شش ماه طول می کشد و اگر راه آهن و کالسکه بخارا و آنجا
 می افتد و در وقت ساعت با صد ساعت این مسافت را
 طی میکند و در راه آهن که بجهت تره و کالسکه بخارا در مملکت
 ساخته اند در هر فرسخی چهل و چهار هزار تومان خرج شده است

و بجهت مملکت که چک بعدن درین روزها بملکت نخلیس آمده است
 بجهت تاشای عمارت بلور لندن و قطان پادشاه ایران

۱۲۰۵

نده است و میگویند که بنا دارد یکی از دخترهای اقوام
پادشاه پروسپ را عروسی نماید

شخصی انگلیس از مملکت ایتالیا سیاحت میکرد دیوانیان
آنجا او را گرفته و سه روز حبس کرده بودند بجهت اینکه کلاه سفید
در سرداوست معلوم شده بود که کلاه سفید در آن ولایت عثمانی
بوده که یاغیان در میان خود قرار داده بودند

جمعیت تجار و غیره که کشتیهاست مصره امپبول میفرستند
امسال بجهت گران شدن دغال سنگی در آن سمت از خراج
زیاد دارند حساب کرده اند که یک کرو پول ایران جز
رنیاد ترا از سالهای دیگر است

موافق حساب دیوان که در ولایت استریه چاپ شده
در سال گذشته خرج آن ولایت اجماعش پنجاه و شش طایان
فلان که تخمینا بیت و دو کرو و دو دست هزار تومان
پول ایران باشد زیاد تر بود اما سال بنیاد از آنکه یک کرو
مالیات آنجا علاوه نمایند که این باقی را بکنند و مخارج
در بیاید

در روزنامه نوشته اند که چند نفر مقصرین مجوس در ولایت
انگلیس که پادشاه تقصیر آنها را عفو فرموده بود چهار نفر
از آنها از کثرت شادی بزین افتاده و مرده بودند

در روزنامه دولتی در و پای تخت اسپانول نوشته اند
که پادشاه فرمان داده است که کشتی بخار بجهت برود و سیاحت
و حمل بفضل با تجاری سازند که بوعده معین روانه بشود
و این کشتیها از جزیره کوپن برگرنده و ولایت انگلیس خواهد
رفت

شخصی ایتالیایی در مملکت یونکی و بنا چنان بی چیز شده بود که
برای گذران معطل بود بکروز برای نماز خود قدری پول قرض
کرده بود روز دیگر یک پارچه طلا پید کرده بود که چهارمین بود
بوزن شش عباسی بود

درین اوقات یک فاذله بزرگ از مملکت جزیره العرب فرستاد
می آیند که میان مملکت افریقیه بلکه یکسره شمشیر کتب و
کتابها

ناخوشی برص در مملکت ناروی بروز کرده است و روز بروز
زیاد میشود سیصد چهارصد سال پیش ازین در فرنگستان
این ناخوشی بسیار بود اما در این ایام آخر خیلی کم شده بود
بلکه هیچ نبود حال دو باره در آن ولایت بروز کرده است

در روزنامه یونکی دینا نوشته اند که بتاریخ بیست و هشتم
شعبان تمام جرم آفتاب در آن ولایت گرفته بود و چهار ساعت
بعد از ظهر ابتدای گرفتن آفتاب بود تا شش ساعت و بیست
دو دقیقه که ماه از آفتاب کشت آنوقت منجلی گردید

در مملکت ناپولی بازار آثار شهرهای قدیم مانند آن شهرها که در زیر
جسته بودند تازه جسته اند بعضی ظروف و اسباب از ایام قدیم
پیدا کرده اند که ترکیبات غریب داشته اند اهل تاریخ بسیار
طالب پیدا شدن آثار ایام قدیم هستند که اثبات تاریخ
آن ایام را می کنند

درین اوقات در آن زمان کشتیهای تجاری انگلیس غیر ضروری و زیاده را
بعضی را کشته بود و در روزنامه آخر نوشته بود که کشتیهای این فرانس با آنجا فرستاده
کامل از روزان منور نموده حال دیگر اینطور بی ایران دیگر اتفاق می افتد

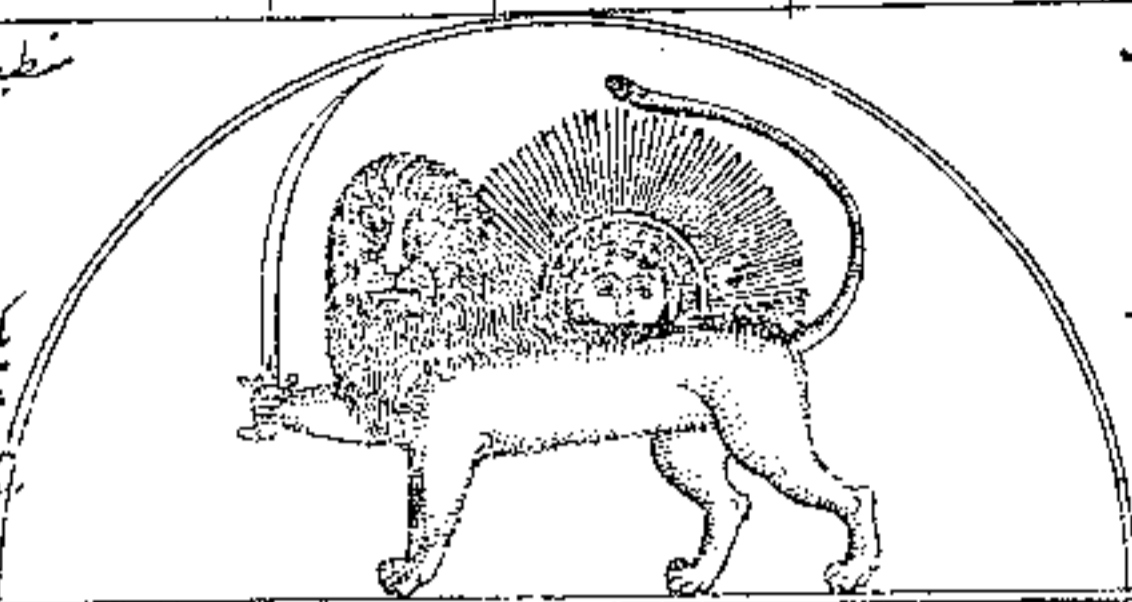
روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه ۱۴۱۱ و پنجشنبه ۱۴۱۰

نزدیک و شاد و شاد

منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

یک خط اول چهار خط یک روز
پنج خط یک روز
پنج خط یک روز



قیمت روزنامه

یک ششماه ششریک

و تلف و چهار هزار

اخبار و احداثیه مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

موجب ایامون اعلیحضرت پادشاهی بعد از مراجعت اینست
 آنچه چند روز در عمارت نیاوران تشریف داشتند در
 روز یکشنبه تمام ماه و پنج روز از آنجا حرکت فرموده بدو
 که هم متعلق بحضرت عالیجناب آیت شریف امجد محسن صاحب
 تشریف فرما گردیدند و لوازم قربانی و غیره از جانب جناب
 معظم تقدیم شد. فردای یوم مزبور که روز دوشنبه دهم
 و پنج دیوم عمید قربانی بود اعلیحضرت پادشاهی در همان
 عمارت دایره چنانچه در اعیاد رسم این دولت علیه است
 اتفاقاً و سلام عام دادند امتیای دولت علیه و مقربان حضرت
 گردون بسطت سینه و خوانین عظام و صاحب منصبان
 نظام هر یک در مرتبه و مقام خود ایستاده اجرای شکر
 توپ و زنجیرک بقانون متداوله کردند و ادای خطبه تمام
 بایون شده و واقفین سلام سلامتی وجود مبارکنا تقدیم
 شکرانه و مبارکبادی عمید قربان را تهیه نمودند و سفرای دول
 متحابه نیز در آن عمید شرفیاب حضور مبارک گردیدند

جناب احمد و قی افندی ایچی کبیر دولت عثمانیه که از دور با
 ایامون حضرت انصاف حاصل کرده بود در روز پنجشنبه
 اینجاه از دارالخلافه و مبارک که بیرون فرستاده از راه بغداد
 عازم مقصد گردید و بجهت ملاحظه دوستی دوستین و مزید احترام
 جنابش را ای یک قطعه نشان مثال ایامون مکتوبان کمال
 که از احداثیه شانهای دولت علیه است با حایل آبی و بعضی
 طرذمات دیگر از جانب کسری ایچان ایچان بایشان
 و بدینجهت هم نشان بصاحب منصبان سفارت که با
 نشان

عالیجاه عاصم افندی که متب اول عالیجاهان افندی صاحب مقام برکات
 نشان میرسی اول نشان میرسی اول

عالیجاه خالد افندی که متب اول عالیجاهان افندی و بر صاحب مقام کبیر
 نشان میرسی دوم نشان یاور اول

ایشان از دربار ایامون مراجعت کردند از جانب دولت
 علیه اعطا و عنایت شد و در حق سایر اجزای سفارت هم

۱۳۰۷

از مرزهاست لازم و اعطای ضلع فاخره در پنج کردید
 باقتضای حقوق دولت و ملت و موافق قرار داد اصلی و قدیم
 دولت علیه ایران و اعلاماتی که از سوابق ایام تا بحال کرده است
 بتجدد اول خارج که درین دولت اقامت و یکسب و تجارت
 دارند نباید مالک ملکی درین ملک از کلی و یا جزئی شوند دولت
 ایران از قدیم حقا بر خود قرار داده است که صاحب ملک بودن
 دولت خارج درین دولت موقوف بشرط وثقه بوده باشد
 اولاً اجازت سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی ثانیاً امضا
 مالک ثانیاً رضای رعیت که بدون تمامی این شرایط نیکو
 صورت موقوف بودن یکی از آنها است بیاع اطلاق صورت
 نخواهد شد مرید التاکید و از برای اینکه این معنی که شریعت
 الهی و حسنه و خارج بشود مجده و اعلام و اظهار میشود که هر کس
 باسم مالک صاحب ملک خانه بشود اگر قبلاً اسم موافق
 معمول الهی ملک با قرار و اعتراف مالک فقط در دست باشد
 چنین ملک ابد اصحت انتقال پیدا نخواهد کرد مگر اینکه دولت
 اذن مخصوص داده باشد و اذن دولت هم موقوف باین است
 که در دیوانه اعظم دولت علیه ایران و دیوان وزارت
 امور خارجه معتبر و مهور کرده و اینکه بعضی اشخاص معین بعضی
 اطلاق درین ملک بیاع نموده اند چون با اجازه مخصوص
 دولت و عمل آمدن شرایط مزبوره بوده است باینجه بر سبب حکام
 آن قاعده قدیمه اخلاقی رسانده و نیز سازند پس موافق
 حکم قدیم دولت هر کس از تبعه دولت خارج ملکی بدون تمام
 شروط وثقه بیاع نماید هرگز نمیکند و قرار است که نخواهد گرفت
 و بعد از آنکه این قاعده عمومی در ضمن این روزنامه که شریعت

شد البته صدی از بیاع و شتری بیفایده و عیب بمقام بیع و شرا
 علی که استقرار ملکیت آن منوط بشرايط مزبوره باشد نخواهد بود
 چون بجهت سرمد از خاقان خلدیشیان مبرور نور الله بجهت
 خوب حسب الامر هایون اعلیحضرت پادشاهی با کمال رعایت
 صفا و خطوط خوش بنیت و جاری شده درین روز با کمال
 رسیده بود در یوم شنبه غده ذیحجه احرام مقرر شد که سنگ
 از دارالخلافه طهران حرکت داده میشود عالیجا میرزا اسد الله
 بهار الایمان قم روانه نمایند و بجهت توقیر و احترام نواب
 شاهزاده و الایبار اردشیر میرزا حکمران دارالخلافه طهران
 توابع و جناب امام جمعه و جمعی از علمای و مشایخ اراکان
 عظام و خوانین و صاحب منصبان نظام در حال دولت که
 در شهر بودند با اتفاق سوار شده با چاوش و مدعو مات
 مشایخ شایسته بعل آوردند و تا آب سهار قاسم خان
 رفته در آنجا خطبه بنام اقدس هایون اعلیحضرت پادشاهی
 خوانده شده بدعای سلامتی وجود مبارک اقدام و از آنجا
 سنگ مبرور را با اساس اغزاز و احترام روایت نمودند
 که برده در مقبره خاقان خلدیشیان نصب نمایند
 نظر بطور شایسته عالیجا اسمعیل خان ولد مرحوم بشیر الدوله
 مرحمت ملوکانه درین روز با اورا منصب چاوشی باشیکی و
 هایون سرفراز و یک ثوب قبادیک طاقوشال برسم خلعت
 بشارای غایتشده و فرمان مبارک شرف صدور یافت
 که موجب حمیره خلق مرحوم بشیر الدوله در حق او برقرار و موا
 سابق او در حق سایر اولاد بشیر الدوله مرحمت شود و درین

عاجی چاهش را بیدار تمام کام در انتظام امور چاپخانه
 دارو و چاهاران دولتی در زود رفتن و آمدن و رساندن
 نوشتجات و کاتب سبب مراقبتش را بیهوشی زیاد دارند
 و اسبهای تازه خوب در چاپخانهها بسته شده است
 چاپاری که درین روزها مرده فتح کلمات را آورده بود
 بجهت انتظام چاپخانههای راه حهران شش روزه انحراف
 بهار انحراف طهران آمده بود

سایر ولایات

پروچرو از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته
 جمعی از اشعار و قطعات الطریق بختیاری که در بیخوابی
 احوال فریدن و آن ستمنازاری و ستواری بودند
 روزنامه ای دزدی و بهرزی که همیشه بر سر راههای
 و اموال مردم را بسرقت و غارت میبردند توابع
 شاهزاده و الایب حشام الدوله خان میرزا حکمران پروچرو
 و بختیاری و عربستان و لرستان مقرر فرمودند که حشام
 رئیس سفینه طالبه مفت لک و چهار لک امامقلی خان برادر
 خود را بادوست نفرسوار از راه کوه بر سر اشرازم نوروز
 نماید و عبداللہ خان نایب بختیاری نیز با سرباز و سواره
 یار احمدی از سمتی دیگر بر سر آنها بروند و راه فرار آنها را بسته
 در کوه و دشت هر کجا که باشند مامورین حکما آنها را
 کرده بنزد نواب معزی البیاض و درین باب تاکید زیاد
 نموده اند که از اطراف تاختمای سقاقات آنها رفته حکما
 به دست بیاورند

دیگر نوشته بودند که رعایای چاپلق بواسطه کمی غله خدمت
 نواب حشام الدوله آمده مستعی شده بودند که قسط دوم

مالیات آنها را تا اول میزان بانها مهلت بدند و آتب
 معزی البیاض نیز نظر بر رعایت حال رعایا و حصول دعاوی
 جهت وجود مبارک اعلیحضرت پادشاهی استدعای آنها
 قبول و تا اول میزان بانها مهلت داده اند که بعد از آن
 بتوانند قسط خود را ادا نمایند

دیگر نوشته بودند که سواره دسته بختیاری را نواب
 حشام الدوله در ماه گذشته به پروچرو احضار نمودند
 و سان آنها را دیدند بعضی ناقصی که در تپه و تدارک
 بود مقرر داشتند که درست و تمام نموده دوباره سان
 حسب الامر همه اسباب و اسلحه آنها تدارک و انجام و در آخر
 ماه ذی قعدة سان دادند جز آنان زبده چابک سپاه
 کار آمد داشتند که کثیری در میان دستجات دیگر اسوار
 یک دست و ار استند بهم میرسد نواب معزی البیاض در چابکی آنها را
 که بعضی در حضور شروع به سبازی و تیراندازی نمودند
 پسندیده مورد التفات کردند

دیگر نوشته اند که خبر فوت مرحوم مهد علی میرزا که به پروچرو
 رسید نواب حشام الدوله زیاده مناسم و نگین شدند کس
 تعزیت پوشیده مجلس فاتحه خوانی در مسجد کبیر برپا نمودند
 تا سه روز م اسم تعزیه داری اقدام نمودند و جمیع مالی
 و اعیان شهر و بلوکات آن طرف انعامه خوانی حاضر شدند و بعد از
 سه روز مجلس فاتحه سپاسی و جوایز و خطبه خواندند برچید

دیگر نوشته بودند که میرزا حسن نغشی که از جانب مقرب انخان عضد الملک
 مامور رسیدگی بامور و ظایف آن ولایت بود وارد شده و نواب حشام
 مدغین نمودند که برواه و ظایف را نوشته و بهر دستجات
 قبوض ارباب و ظایف را در بار و قو و ظایف آنها را برسانند

۱۲۰۹

خراسان

از قرار یک در روز نامه این ولایت نوشته اند درین اوقات
 پش نجانی کی از راه پای راه مرز افتاده چون خانهای
 اغلب ازنی میسازند درین بین یاد نیز شدت کرده و
 بچند خانه دیگر سرایت کرده بود و از آنجا یک حصاری که
 کله کوه سفید و کپرنی بجای دیوار محیط آن بوده است در گرفته
 مردم خبر شده و آمده اند که پش را خاموش نمایند چند
 خانه و حصاری که سفندان تا مسوخه اندود و نفرم و نیز در
 میان آن خانها پش گرفته و قریب بهلاکت بوده اند آنها
 نیم جان بیرون آورده و محاصره کرده اند هر دو خوب شده
 اما کوه سفید تا مسوخه و پش اند

و یک نوشته اند که درست محرم غلغله کم بود و کشتی که بجهت
 غلج علی کاران رفته بود خالی مر اجبت کرده بود اهل آنجا
 تسلیس کلی نمودند و کندم خرواری چهار تومان و نیم بود
 کرده پش تومان و نیم رسید عالیجاه شیخ فارس خان
 از بندر مندیان و بندر معشور و کشتی غلغله بزودی فرستاد
 بارگیری کردند و بجهت آوردند بعد از ورود این دو کشتی
 غلج تزل کرده بیخجومان و دو وزیر رسید عالیجاه شارالیه
 درین باب اهتمام تمام دارد که هرگاه غلج از اطراف حسب
 دسایر جایا اتباع نموده با تولا تیبیا و رند که رفع
 کرانی از آنجا باشد الله بشود

و یک نوشته اند که بجهت اتوماتی که عالیجاه شیخ فارس خان
 در انجام خدمات دیوانی آنجا دارد نواب حسام الدوله
 خدمتگاری او را بدیاریون عرض و از جانب نسی ایجاب بلوگا
 حلف با حمت شده بود و نواب سزنی الیه حلفت او را فرستاده در دستم

دی فقهه پر تو وصول آنجا افکند مشا ر الیه لازمه تو غیر و حیرت
 در استیصال اهل آورده بخلت هالیون فخلج و حیرت و الی آنجا
 شیرینی داده او هم بخلت آنجا میرزا ابو فضل نیز مصوب حاصل آن
 ریب برودش معاشرت خود ساخته بالالی آنجا مشرب و شیرینی

کرمانشاهان

از قرار یک در ضمن روزنامه کرمانشاهان نوشته بودند
 شاهزاده والا تبار عماد الدوله در انتظام طرق و شوارع
 و اعیان راهها کمال اهتمام را دارند و سی نفر سواره
 ناخکی را بجهت حفظ و حرارت قوافل و مترددین در طرق و
 شوارع گذاشته اند که الی بینون لیلا و نهار اگر دشمن
 مراقب حفظ و حرارت آنجا باشند و الله ام از آنها گرفتار
 که اگر مالی از قافل برود سواره مزبور خود از عهد برآید
 اقا سید احمد که سر کرده سواره مزبوره میباشد در حفظ
 قوافل و نظم راه حسب قدغن و تاکید نواب عماد الدوله
 کمال اهتمام دارند و لکن از قریب خبر رسید قدری کرانی
 صفحات کرمانشاهان خاصه در قناب و حوالی آن بهم
 نوعی که باعث نگرانی میباشند مردم شده است

و یک نوشته بودند که عبدالکریم بیک غلام شیخ منت که از
 دیوان اعلی امور برساندن مواجب نوکر کرمانشاهان بود
 درین اوقات وارد آنجا گردیده نواب شاهزاده والا
 عماد الدوله در وصول و ایصال مواجب نوکر آنجا بجهت
 جانب اولیای دولت علیه دستورالعمل داده شده است
 کمال اهتمام را مبهور داشته اند و قدغن آید کرده اند
 که مواجب نوکر آنجا از قرار دستورالعمل بزودی پرداخت
 نامهای در کار آنجا نماند

۱۲۱۰

احوال مستوفی و اول خارجه
 از جمله کارهای عزیز که درین روزها برآید از آنست که
 از آن گاهی اوقات در روزنامه نوشته میشود مباحثات
 بجهت سیاحت مخصوصاً مباحثات در شهر بویا که یکی دینیا
 شمالی که اسم او سنت گولاست و جایی شصت و نه
 همان دارد بلکه در سنگام ضرورت میباشد هزار نفر از
 همانی نمانند و اگر خانها که بجهت همانان ساخته اند از سنگ
 و آجر قوی است دور یک و بسیار خوش بود طرف کوچک
 مفاد و پنج ذرع طول دارد و پنج مرتبه ساخته اند یکطرفش بجهت
 نشین آنها و یکطرف دیگر بجهت نشین مردان است غیر از سفره خان
 و اطرافها جهت نشین روز مستعد اطراف خوابگاه دارند و
 بجهت هزار نفر رخت خواب میدارند در هر طاقی حمامی کوچک
 با شیر آب گرم هم دارد و در اطرافهای خوابگاه از مرتبه پنجم تا
 این تمامها دارد و در پایین جرح بنجار ساخته اند که آب گرم
 و آب سرد بکل اطرافها میرساند و کل این خانه شب از بنجار
 و ذغال سسکی روشن میشود سه هزار چراغ بنجار در شب در
 روشن میشود در زمستان کل اطرافها را بالوله که در میانش
 بنجار آب گرم است گرم می کنند و اینهم از جرح بنجار است که
 بدون روشن کردن بنجاری اطرافها همه یک هوا گرم
 رخت طلق را هم کلاه و آنجا با اسباب جرح بنجار میشود
 روزی شش هزار پارچه رخت میتوانند بشویند و آنوقت
 بطوریکه یک نفر سیاحت که با بنجامید و رخت او هرگز
 میدهد برخت شود در نیم ساعت هم را شسته و ستاده
 و آنرا کشیده پس میدهد اگر طبع بنجار اسم با بنجاری پزند
 مگر گوشت کباب را که در روی ذغال کباب می کنند

بنجار خانه بجهت سخن نان و سایر چیزها که در آن می پزند هم
 در آنجا دارند و اطرافها را کلاً با فرشهای خوب فرش کرده اند
 حتی قوه خانها را و اخراجات یک نفر با چراغ و خوابگاه
 همه جبهه دو زده فرانک و نیم است که تخمیناً بازده هزار دینیا
 پول ایران باشد و در شبانه روزی و در ساختن و راه انداختن
 این مباحثات پنج نفر با اسم شرکت شده اند و از قرار یکمی که
 بسیار منفعت خوب بجهت آنها می کند جمیع مباحثات لازم بجهت همانان
 در آنجا پیدا میشود و در طولید صد تا صد و پنجاه ریس است
 و چون عراده کالک هم موجود دارند
 در مملکت فرانسه بنا دارند درین روزها لاماری بر پا کنند
 با بطوریکه نفره اول به اسم هر کس بیرون بد صد هزار فرانک
 میرود و نمره دو تیم و سیم هر یک پنجاه هزار فرانک و پنج نفره
 دیگر هر یک ده هزار فرانک و بیست و یک نفر که پول درین
 یکبار شش فرانک و یک ربع است و فرانک پول
 فرانسه است که هر یک هزار دینار چیزی که حساب پول
 ایران میشود
 سیاحت فرانسه درین روزها در جزیره گوبانه که یکی از جزایر
 ریز خط استوار باشد سیاحت کرده است و سیاحت خود را
 در روزنامه چاپ زده است آنچه در خصوص بارای اول
 نوشته است که روزی در مجلسی بودم یکی از سیاستمداران
 سواره بناخت و تعجب رسید و گفت بیاید و تماشای
 که ما را در صحرا چگونه جمع شده و به هم پیچیده اند یکی از
 سیاستمداران گفت من شنیده ام و تنها که طوفان العاصمی
 بعد از طوفان ما را جمع می شوند اما تا بحال ندیده ام خوب است
 برویم تماشا کنیم پس سوار شده با احتیاط تمام تازیدی

۱۳۱۱

دفته بودند و به بلودند که مار با جمع به سپید و اندک
 یک کله قد و سرشان همه بیرون است پانزده قدم ماند بود
 که بارها برسند اسبها ترسیدند پیش ز فتنه مار دادان
 می کشوند و صد میکردند اما بچکه ام از آنجا که جمع شده بود
 بیرون نیامدند و همانطور بسپید بودند سیاحت در
 باب فکر زیاد نموده بودند که مار بزرگ یا ننگ بعضی مکان
 گروه بودند قصد این مار را می کنند و از ترس آنها اینطور
 با هم جمع میشوند با بچکه سبب که داشته باشد با جمع شدن
 مگر با اینطور شاید شده است حیوانات نطق ندارند که
 خود را بتکلم بکند مگر معلوم نمایند و لکن منظره بعضی از این حرکت
 بلکه اگرشان این است که در بعضی چیزها که از حیوانات ملاحظه
 مید و باید طوری در میان خودشان داشته باشند که
 حیالات خود را بهم حالی نمایند از جمله جمع شدن مارهای
 و ساختن سکهای آبی بندها و خانهها و در و خانههای
 یسکی و نیابطوریکه درختهای بزرگ را می کنند و پیرامونی
 و بندها و خانهها مانند بنای ساخته و در آن مملکت قوسی از
 مورچه است که بجهت خود جا و مکان می سازند بار قناع چهار
 وزع و همان سخت می سازند که سگتن آن بسیار مشکل است
 آنها را اینرنگان میبرند که بجهت محافظت خودشان از حیوانات
 صحرائی که خوراک آنها موهجه است این خانهها را می سازند در
 جزیره و در اگر جایهای یسکی و بنای شمالی آب دریا سال
 کشیده می شود و جانی که ساکنها آب بود حالا شکست
 و لکن است شای فرنگستان برعکس این است بسیار جاها
 که ساکنها خشکی بود حالا آب دریا بالا آمده و گرفتار است

از جمله کارخانهها که درین روزها در فرنگستان بسیار ترقی
 کرده اند کارخانههای آهن است و بعضی چیزها درین ایام از خود
 و این میسازند که سابقا هیچ ساخته بودند و در ساختن چاقو
 و سایر چیزهای خورده و نازک بسیار ترقی کرده اند و در
 روزنامه فرانسوا نوشتند اندک در عمارت بلوری که در
 تازه کشوده اند یک تاشای عمده اسباب آهن است که
 در آنجا که داشته اند خصوصاً اسبابی که از شهر شنگد که یکی
 از شهرهای نخلیس و مثل اهل آنجا ساختن چاقو و مقراض و این
 و فولاد خورده کار است آورده اند که نهایت آیساز و آ
 موافق کاغذ آخر که از یسکی دنیا آمده است باز در مملکت کنگو
 داشته اند کارشان خوب پیش میرفت یکی از اعیان آن
 مملکت است انا نام که مدتی بزرگ دولت جمهوری آنجا
 بود بعد از آن اخراج شد حال دوباره با ولایت برگشته
 و ادعای پادشاهی آنجا را می کند و لکن آنها که راضی بسلطنت
 او نیستند تدارک جنگ می بینند جمعیت بدو در خوشان جمع
 از قرار یک معلوم می شود و در مینت که این مملکت در اندک
 محیط تصرف اهل دولت یسکی و بنای شمالی بیفتد چنانکه
 و تکس و بعضی ولایات دیگر که اول مال کسکو بود حال
 دولت یسکی و بنای شمالی است و روز بروز کار دولت
 یسکی و بنای شمالی در ترقی است بخلاف کار دولت
 کسکو که روز بروز در تزلزل است

۱۲۱۲

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم ماه ذیحجه الحرام مطابق سال ۱۲۷۰

نمره صد و شصت و نه		منظومه دارالخلافه طهران
قیمت روزنامه		قیمت اعلانات
یک نسخه ده مریکانه		یکسطنبولی چهار سطر یکمهر و نیم
وقایع چهارمهر		بیشتر از سطر پنج مریکانه

اجبار و احکام محروسه پادشاهی

<p>سواره مزبور در باسن و وضع و اسبهای ممتاز و اسبها که همه چه کمال آراستگی داشتند خاصه از نیت اسبها که همه فریب و خوب بود بسیار مطبوع و مستحسن خاطر طوکانه افتاده مورد تحسین و التفات گردیدند و بعالیجاه موبین صاحب منصب دولت استرپه که معلم سواره مزبور است کمال التفات فرموده و العافی شایسته در حق او و جمیع و عالیجاه پاشا خان سر کرده سواره مزبور نیز که در نظام و آراستگی آنها اهتمام نموده بود مورد توفیق و تحسین گردید</p> <p>و همچنین در روز یکشنبه شانزدهم این ماه حسب العالیجاه شش عاوده توپ با توپچیان جمعی عالیجاه اللهوردی خان سر تنگ توپخانه و سواره نظام جسمعی عالیجاه پاشا خان و فوج چهارم جسمعی عالیجاه علیخان سر سبب حاضر شدند در میدان مابین قرستین قلعه و رستم آباد مشق جنگ معلوم نمودند اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی از عمارت و او دیده تشریف فرما گردیده در بالای پشته که در آن حواله بجهت کاشا توقف فرمودند و جناب جل امجد اکرم محمد علی</p>	<p>دارالخلافه طهران</p> <p>در روز بیستم این ماه که روز عید غدیر و از ایام مبارک است این دولت علیه است اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی در عمارت و او دیده باسلام عام دادند جناب عالیجاه اشرف افخم صدر هم و شایزادگان عظام و سایر اعیان دولت علیه و مقربان حضرت که در آن ببط سینه و عظام و صاحب منصبان نظام و عموم چاکران در باره شرفیاب حضور مبارک گردیده هر یک در جا و مقام خود ایستاده اجرای شیک تپ و زنبورک گردیده و صد تیر توپ بجهت شیکت و ادای خنده در حضور مبارک بنام جناب علی ابراهیم طالب گردیده بدعای بقای وجود فایض الجود کایون ختم شده و اقصین موقع حضور مبارک از عنایات طوکانه بهره مند گردید سلام عام منقضی گردید</p> <p>در وقت که شایسته اعلیحضرت پادشاهی تیمشای مشق سواره نظام که چند سال است درین دولت علیه تازه افتاده اند تشریف فرما شده ملاحظه آنها را فرمودند چون</p>
---	--

۱۲۱۳

و سایر مهربان حضرت کرد و درین بطن در حضور مبارک بود حکم
 مشق جنگ داده شده سوار نظام به فرج و توپخانه حمل آورده و
 نمود و چندین حرکات جنگ کردند و از جانبین کمال جلالی و جلال
 مشاهده شده حرکات و چابکی آنها در شلیک بوقوع و یورش
 به سنگام بمکی پسند خاطر اقدس بیاون گردیده مورد تحسین و
 شدن و از طرفین رکاب مبارک کس که کشته از حرکات سوار
 و فرج مزبور داشت تعریف تحسین نمود و اعلی حضرت پادشاه
 بعد از تماشا تحسین آنها نزدیک معنی و بقیاب مهربان
 داودیه فرمودند

از اینکه مراتب خدات و احوالات نواب مستطاب هراده والا
 فریدون میرزا فرمانفرمای مملکت خراسان و مقرب سخا خان میرزا
 وزیر نظام متولی باشی و شکارچران در نظام و انضباط امور
 آن مملکت عموماً و افتتاح و تصرف کلات خصوصاً و نظر انور بیاون
 اعلی حضرت پادشاهی زیاده حسن و مقبول افتاده و در حرم کمال
 مرحمت طوکانه آمدند لهذا این اوقات یک ثوب خیره زمره ریشخیز
 حاشیه دار بافتیاری نواب سزای لیه و یک ثوب خیره زمره مقرب سخا خان
 وزیر نظام حمت و ارسال شد که از بدل این بوبت خاص شاهانه
 استظهار کامل حاصل نمایند همچنین حسب استعای نواب مبارک
 و مقرب سخا خان مشارالیه بعالیجاهان بهادر خان و حسین خان
 و آقا رضا خان که در تسلیح کلات خدمت کرده بودند هر یک
 کسری و یک ثوب قبای رری از جانب بیاون خلعت حمت و ایش

این اوقات سیر کالی اقدس اعلی حضرت پادشاهی نظر بکمال حمت در
 نواب مستطاب هراده و آرا حاکم سلطنته و الی سابق خراسان کیلوب کلنجو
 از طبوس بن مبارک بافتیاری نواب سزای لیه مریختن فرمودند

چون مقرب سخا خان خان خانان در روز عید قربان شتر قربانی
 شکر کرده بود خلعت از طبوس بن مبارک باو حمت کرده و
 و در دو بھارت داودیه نیز که شرفیاب حضور مبارک گردید کیلوب کلنجو
 از طبوس بن مبارک باو عنایت فرمودند

عالیجاه عباستغنی خان سرتنگ توپخانه مبارک که منصب سربسکی او در
 هفتاد گشته نوشته شده بود درین اوقات یک طاق شال برمه دراز
 منصب مزبور از جانب سنی ابجواب طوکانه باو خلعت حمت

مرحوم سرتیج صاحب که ارضای منصبان دولت سزای بود در شب جمعه ۱۴
 و تھیج محرام در قریه قلک شمیران برای جاودانگی نمود جناب
 و نبالت نصاب شاد و فرود دولت سزای صاحب منصبان
 اورا با کمال اکرام و احترام برده شسته جناب معظلم لیه با جمیع خا

سفا سخا از دلگت نامقبه عظمی و شرف مشتیج که در خارج قریه
 و ولای واقع و تخمیناً ده فرسخ مسافت دارد سمر اجانه
 او آمده بعد انجام و تکام لوازم و شرایط دفن در حمت کردند
 صاحب منصبان خارج متوقف در آنجا نیز و دفن کردن
 حاضر بودند صاحب منصب مزبور در ابتدای آمدن باین ولایت
 یکی از سعلین توپخانه بود و در ایام نواب غفران آسب و لیه میرزا

و آذربایجان مشول مشق توپخانه بود و درین مشق خدات نمایان
 باین دولت علیه کرده و کیس از توپچیان قدیم تعریف از جهاد
 مشارالیه میکردند و از آنرا که با کس حسن سلوک مسلوک و شکر
 اورا بیساحت وقت بسیار متأسف گردید

سایر ولایات

اور پایسجان از تواریک در روزنامه از پایسجان
 نوشته بودند امور ولایتی و قشونی و رعیتی اینجا کمال نظم دارد

۱۲۱۲

افواج ساغلو حاضرین تبریز همه روزه علی الاستمه از انظار
 افتاب در میدان سر بازار خانه بیرون شهر مشغول مشیتند
 صاحب منصبان هم عصره مشغول میکنند و جناب مقرب انخافان
 قایم مقام در انتظام امر قشون آنجا کمال استقام دارند و از هر یک
 خلاف قاعده ناشی و صادر بشود بمقام مواخذه بر می آید
 از جمله نوشته بودند اوقاتی که فوج ناصریه مانور خوبی شد
 در عرض راه بعضی از سر بازاران بی نظسی و تقصیر فاحش کرده
 بودند بعد از آنکه عالیجاه محمد آقای سرنگ م استر ابعزلی
 حالی کرده نفر سر بازار و نفر وکیل آنها را که مشاره برنگی
 شده بودند احضار و بعد از ثبوت تقصیر و اجرائی تمهید
 کردند

دیگر از فراری که در روزنامه آنجا نوشته بودند و در سه ماه
 قبل در حوالی قراغه آباد و حاجی آقا و مایان مال خدیو
 بفارس برده بودند مقرب انخافان قایم مقام سواره و
 تعیین نمودند مرکبین را که بعضی از مالی شقاقی و بعضی از سب
 بودند دست بسته گرفته اموال مردم را بعینها استرداد نمودند
 و نواب هزاره و الا بتا نصره الدوله سزانی که در حق وزرد
 قطاع الطریق لازم است در باره آنها اجری داشتند که این
 مردم و نظام طوق و سوار بجال خود باقی بمانند

دیگر نوشته اند که حسین نام و خوارقانی که بزرگی و شراس
 مشهور بود و راهزنی میکرد مقرب انخافان قایم مقام
 فرستاده او را با سه جهار نفر دیگر از اشرا و بخوارقان که در دزد
 و هرزگی شریک او بودند گرفته آوردند بعد از ورود تبریز
 نواب مستطاب نصره الدوله صاحب خست بازار و بیجان نام

که بکرات راهزنی و قتل غارت را مرتکب شده بود نیزگی
 عمل خود رسانیده و قتی را حکم مجس کردند
 و یکدوشت ماه قبل مال حاجی فتحی را در بناب بفرقت برده
 بودند این روز مقرب انخافان قایم مقام علی اکبر بیگ
 توپخانه مبارک را محصل نموده فرستادند رفته مال مسروق
 پیدا کرده بیاورد مشا الیه بعد از ورود به بناب مال مرزور
 که قریب شصتصد تومان بوده است در خانه دو نفر سر بازار
 پیدا نموده بصاحبش رد کرده قبض رسیدگی دریافت نمود
 و آن دو نفر سر بازار را مقرب انخافان قایم مقام حوخته
 بعد از تمهید نظامی خارج کردند

دیگر هم روز قبل از ورود نواب مستطاب نصره الدوله
 با دز با بیجان مالی از حاجی سید احمد تاجر اصفهانی در قزل
 و نیزج اردوئی برده بودند در همان اوقات جناب مقرب انخافان
 قایم مقام سواره تعیین نموده محبت دزدان فرستاده بودند
 معلوم شده بود که دزدان کیستند این روزها مبلغ یکصد
 بیت تومان قیمت مال مرزور از همان دزدان گرفته سید احمد
 تاجر داده قبض رسیدگی دریافت کرده اند اما سزای مجسین را
 در روزنامه معلوم کرده بود که چگونه دادند

اصفهان

از فراری که در روزنامه اصفهان نوشته بودند
 چرا عیضخان نایب الحکومه اصفهان در نظم امور و
 و کفایت سبب است و کی رعیت و وصول و ایصال
 دیوانی کمال استقام را دارد و با مورات رعایای بلوکا
 رسیدگی کامل میسازد و هم چنین در انتظام امر شهر و محلات
 در رفع دزدی و بیجالی سعی تمام دارد

۱۶۱۵

اخبار دول خارج

انگلینس تاریخ روزنامه آخر که از لندن پای تخت این ولایت رسید روز شنبه ۱۹ سوال بود و در آن اوقات علیاحصرت پادشاه انگلیس در شهر لندن در عمارت خود تشریف داشتند و نوشته اند که در اینجا خواهند ماند تا بعد از مخص کردن اهل مشورتها بظارت و نیز آنکه در خارج شهر نزدیک لندن است بروند و وقت مخص کردن خواین و دکلهای رعایا که اهل مشورتخانه اند در اکثر سالها چهل یا پنجاه روز از تابستان رفته است که آنوقت مخص شده هر یک به بلوکات و اهلان خود میرود

شخصی از اهل فرانسه درین ولایت کشتی هوایی که بلون میمانند سوار شده و بلافاصله بود مدنی است که چیزی اختراع کرده که مسراه بلون بالا میرند که اگر بخوانند و رهوان بلون خارج شده بان چیز پانین بیایند میشود و لکن خالی از شورش و خطر نیست و این بابیت بر یک چیز ساخته که وقتی که در آن قفسه گرفته از بلون خارج می گردند گشوده شود و با استکی آن شخص از زمین میسازد و مانع از شد آمدن و بر زمین خوردن شخص میشود و لکن بسیار اتفاق می افتد که اگر شود با طوری میگردد که آن شخص کشته میگردد و ایندندم که این شخص فرانسه بلون بالا رفت تا بطور اطلاق کرده که از بلون به چیر نشسته و خواست است پانین بیاید و هلاک شده است مردم انگلیس حسب قانونی که دارند جمع شده و تحقیق کرده بودند که کشته شدن این شخص صحیح بود و عرض بود بر امور و جمله نوشتند که از دیوان قدغن شود که بعد ازین کسی اقدام باین عمل نهد که خود بخود هلاک بشود مردم

طالع پول می گیرند کشتی هوایی میسازند و پول بجهت آتش از مردم میگیرند و ازین قبیل چهار بار که خالی از حفاظت نیستند بجهت آتش آورده پول میباشند که سوار کشتی میگردند بالا بروند و با بیطوری پانین بیاید که مردم تا شایانند و این شخص نیز باین اقصی ملات بالا میروند و کثرتی بسکات بر میگردد چند سال پیش ازین اسپهها به بلون بسته بود امیکر و بند بسیارشان بعضی اطلاق در می آمدند حال بسکات بسیار است بسبب آنکه نسبت بچگونگی ازین بیجا بود و موقوف کرده و قدغن نموده اند در صورتیکه ملاحظه خط خط حیوان بشود البته حفظ وجود انسان الزم خواهد بود که با بیطوری هلاک نشود

فرانسه

تاریخ کاغذ آخر که از پاریس پای تخت فرانسه رسید سیزدهم سوال بود اعلیحضرت امپراطور فرانسه نسبت سوال از ولایت باردوی بلون رفته بود و لکن منتظر بودند که در این روز نامه راجت نماید و بعد از آن بنا دارد و در بلوکات فرانسه سیاحت بکند و در پارزدهم ماه آو فرانسه مطابق است و بقصد راجت بیای تحت نماید که از روز در میان خودن عبدا

درین ماه در مملکت فرانسه بسیاری از مردمانی که بعلوم و دانش مشهور بودند فوت شده اند از جمله یکی بوسکی نام که پوسنده مشهور بود و در علم نوژیگان مسم همارت تمام دست یکی نیز زوج یکی از خوانین بود که او نیز در کنایه نویسی تمام داشت یکی نیز بکار نام است که پیش همراهم است ناپلیان عظم در جزیره سنت فیلیپ بود و خودش نیز در سکام طولیت در آنجا بود

از جمله آرایش و زینت شهر مارسیس که درین روزها با تمام
رسیده است دریا چای است که تازه ساخته اند در پیشه
بنون که نزدیک بشهر موزاست و درین روزها آب باغچه
انداخته اند و خود امپراطور فرانس نیز با نجا آمده بود
درین روزها شخصی در فرانس به بزرگی غریبی کرده است و معلوم
نیست کجاست این تماشاخانه بعضی اوقات تفنگ را از
بار و طحالی پر کرده بیکدیگر می اندازند مانند جنگ است
از بابت شوخی و بازی است و کبسی اذیت نمیرسد درین
روزها و یکی از تماشاخانه ها تفنگها را از بار و طحالی پر کرده
و حاضر که آشفته بودند که در وقت بازی بیکدیگر تیر
نمایند اتفاقا شخصی از اهل تماشاخانه یکی از آن تفنگها را برداشته
و دهن گلوله او را سرازیر و بزیرین گرفت و بد که گلوله از او
افتاد بعد از آن تفنگهای دیگر را ملاحظه کردند دیدند که
در میان هر یک یک گلوله انداخته بودند هر یک این عمل
خود بدست نیامده و معلوم نیست کجاست که منظورشان این بوده
که اهل تماشاخانه بیکدیگر آتش بزنند و خود را بکشند
در روزنامه آخر که از پاریس رسیده است نوشته اند
که پادشاه پورتو قال که مدتی در ولایت انگلیس بود بنا
داشت به پاریس بیاید همان امپراطور فرانس بشد و عکاس
طوریتر را بجهت او ترتیب داده و اطافهای او را زینت
داده منزل مهیا نموده بودند

اسپانیول

مست که درین ولایت آتشش است و لکن در روزها
گذشته کلامه بود کمان داشتند که این آتشش خاموش
شده باشد حال معلوم نشد که آتشش موز باقی است

و از قرار روزنامه که تازه آمده است قشون کشتی و جنگ
درین مملکت شده است و بعضی از خبرها و صاحبان
دیوان قشون را متحرک کرده و بار عایاچی شده اند
و جنگ قشون پادشاه کرده اند و لکن منظور باغیان است
چند طور در روزنامه نوشته اند اگر شان می نویسند که باغیان
کله از وزیر او دارند و میخواهند در دولت بیاورند که در آن
عوض نمایند اما بعضی شان میگویند که منظورشان این است که
خود دولت را برسم بزنند و مملکت اسپانیول و پورتو قال
در زیر حکومت یک پادشاه باشد منظور باغیان در دست
معلوم نیست و لکن در چند جای مملکت اسپانیول باغیان
پادشاه جنگ کرده اند در بعضی جاها غالب و در بعضی
جایهای دیگر مغلوب شده اند در پای تخت جنگ قشون
پادشاه کرده اند و لکن مغلوب شده و از پای تخت
بیرون رفته اند نسبت سمره کوشه و پادشاه و وزیر او
داخل پای تخت شده اند در ایام قدیم در مملکت اسپانیول
زن پادشاهی نمیکرد یکی از پادشاهان سابق که او را
ذکر زنده است بجهت دختر خود این قانون را برسم زد بعضی
میگویند که یک منظور باغیان این است که قاعده قدیم
باز در انولایت برقرار نمایند که پادشاهی زن ممنوع باشد
و تاج و تخت انولایت با او لا و ذکر برقرار شود در حال
اسپانیول بسیار خوشش است اما تا بحال دول و کمر
روزنامه نوشته اند که مدخلت باین کار کرده باشد
و اگر یا چون دول خارجه در امور آنجا به چند می کنند کار
اندولت را بخوشش واکنداشته اند

۱۲۱۷

هندوستان

اعلانات

چنانچه در روزنامه های سابق نیز نوشته شده درین اوقات بنا دارند که راه آهن بجهت تردد کالسکه بخارا از سر تا سر این مملکت بسازند از کلکته بمشمال هندوستان چند ماه پیش قدری ساخته و با تمام رسانده بودند و درین روزنامه ها نوشته اند که راه آهن بزرگ که از بمبئی بمیان ولایت میرود نیز تمام کرده و کشوده اند و کالسکه براه انداخته اند در تاریخ ۱۱ حجب قدری ازین راه بجهت تردد کالسکه چرخ بخارا کشوده بودند و ولایت و بخارا نیز مردوزن از اعیان ولایت از اهل انگلیس و اهل هندوستان بکالسکه های که بیکدیگر مربوط و چرخ بخارا بسته بودند نوشته اند بمبئی تا کلیان رفته اند و از در کل اهل هندوستان و در آن اطراف مانند عید بزرگ گرفته روز را بنواختن گاه و عیش و مهمانی مشغول و در معابر کالسکه بخارا بجهت تماشای از دست و شب آنروز از شباری سکین برپا نموده و خوردن و سندی تمام از راه افتادن چرخ بخارا میکردند و چیزی منتقب بسیار بجهت طی مسافت بعیده در مدت کم در آن مملکت ملاحظه میکردند حال که این راهها از دو طرف هندوستان ساخته شده و کالسکه بخارا براه افتاده است معلوم است که در اندک مدت بیکدیگر متصل خواهند کرد که از سر تا سر ولایت هندوستان چرخ بخارا برود بلکه داخل مملکت بخارا هم بشود و تاریخ کاغه آخر که از هندوستان بایر سیده از کلکته ۸ شعبان و از مدرس ۲۳ و از بخارا چین ۸ و از مملکت برمه ۵ و از بمبئی ۱۲۵ بود

کتابهای چاپی دارالخلافه طهران که در کارخانه حاجی عبدالحمید با مسیحی در محله تره کی در وازمه و ولایت طباطبائی مطبع شده اند

فروختن میشود

۱۰۰ — خسته نظامی بیت و پنجاه

۱۰ — سرایر دو تومان

۱۰ — زبده المعارف دو تومان

۴ — معراج العاده یک تومان

۱۰ — حدیقه اشید اشت هزار

۲ — شرح کبیر دو جلد شش تومان

۱۰ — شرح لمد یک جلد سه تومان

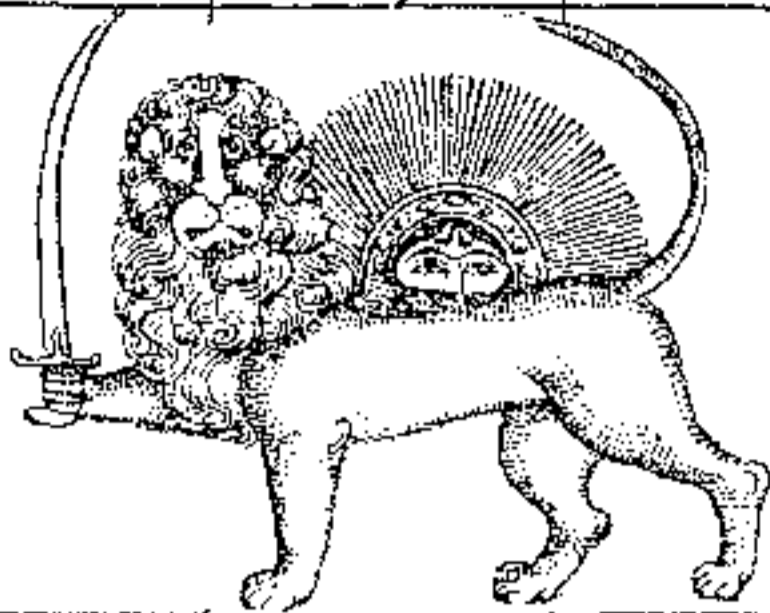
۱۰ — تصریح پانزده هزار

۱۰ — شش ماه چهار تومان و نیم



روزنامه قایم القایه تاریخ یوم شنبه بیستم ماه ذیحجه الحرام مطابق سیال باسن سن ۱۲۱۹

نمره صد و نود
قیمت روزنامه
یک نسخه ده بریکه
در نان و چهار هزار



نطبه دار الخلفه طهران
قیمت اعلانات
بخط الحرفه کتبه ازادیه
بشنه با هر هزار

اجبار و احکام مالک محروسه پادشاهی

و اراخلاف طهران

در روز شنبه ۲۲ ماه ذیحجه اعلیحضرت پادشاهی سجد
تفیح و کشت بجات امیر آبا که درین فصل بسیار با صفا
تشریف فرما گردیده و تا حوالی عصر در آنجا تشریف
و نزدیک وقت بجات او درجه است

و پنجمین در روز شنبه ۲۴ ماه ذیحجه الحرام بر حسب حکم
مایلون بیت عراده توپ با صاحبان توپخانه مبارکه
و متعلمین مدرسه و اراخلاف که تعلیم علم توپخانه اشتغال
با سواره نظام در صحرائی قریب بدو ذیحجه محاذی سمت
عمارت حاضر شده اعلیحضرت مایلون شاهنشاهی سوار بر
برده توپچیان در کمال جلالت و عمارت تیراندازی
و سواره نظام نیز بر سرش و تاخت سمت توپخانه اقدام نموده
و بعد از تماشای تفیح توپ مایلون محاورت بجات
داودیه فرمودند

نوشته شده است و از اینکه هر وقت که بعضی از
سید است که نسبت ملت عیسوی و غیره که رعایای
این دولت علی اند ظلمی قسه باشد در مقام رفیع آن
برآمده اند از جمله درین روز که عهده الفضل استخیمه خلیفه
طاطرس که بزرگ ملت ارامنه جلغا و سمت جنوب و وسط
ایران و ارامنه متوقف بند و چین است بدار استخلاف
آمده و چند مطلب که در بعضی موارد آن نسبت با ارامنه ایران
ظلم و بیجایی می شد سجا کپای مبارک عرض کرد حکم فرمودند
که از دربار مایلون باین تفصیل احکام صادر شود از جمله
فرمان مایلون بکل حکام مالک محروسه شرف صد و
که در گرفتن راهداری و کدک از ارامنه تبعه این دولت
بطریق که از سایر اهل ولایت میکیند بکینند و هیچ فرقی
ارامنه و مسلمان درین باب نکند و اگر کسی درین باب
بعد دنگ تفاوتی باین آنها بگذارد مورد مواخذه خواهد
و هم چنین تعلیق جناب اجل امجد اگر مصلحت عظیمه در باب
بعضی املاک و اراضی واقع در محدوده کاشک که جزو مملکت

۱۲۱۹

میباشد بعد نایب الحکومه اصفهان حسب الاشارة اطلبه
 صادر شد که داخل و منافع اراضی مسطوره کما فی السابق صرف
 کلیسای واکمشه کسی مدخسه باراضی مزبوره نماید و همچنین
 در توجیه و تقسیم متوججات دیوانی ارمانه که با مسلمانان
 ملک و زراعت و کاسبی شرکت دارند مساوات معمول
 دارند و تفاوت در میان آنها نگذارند و همچنین هر سنگام
 که عسید را با اشی غشیره یا بر خلاف اسم ادا نمائی و سخی
 مقرون بحساب با طرفین بجز جناب امام جمعه اصفهان
 طی گفتگوی آنها بروفق حکم شرع بشود و تحقیقی که
 حسب فرمان مبارک بارامنه جولاهه اصفهان
 رحمت شده است همه ساله این تحقیق استمرار مرا که
 اصلا و فعلا دولت و پنجاه تومان است بعهده ^{التقسیم} الفضا
 خلیف طاطوس و سایر خلفای جلفا عاید سازند و
 خلیف مزبور درین روزها شرفیاب حضور علیحضرت
 پادشاهی گردیده و مخلص تجلعت تا یون شده حضرت
 انصاف حاصل نمود که مراجعت بجل خود نماید
 در باب ملک نشستن بعه دول متجا به در محاکم
 دولت علیه ایران در ضمن مهزده ۱۸۸۱ روزنامه سرحدی
 شده بود اگر چه فقره اتباع خانه و انبار و مکان برای
 سکنی و وضع امتعه تجارت که موافق فضل نجیب
 تجارتی حضرت داده شده است از اول اسم
 از شرح مزبور مستثنی بود لکن تو صتیجا و ضمن این روزنامه
 پشاره میشود که بجهت بعه دول رسم عهد از قرار بمان
 فضل حضرت حاصل است که برای سکنی و وضع مال
 تجارت اگر کرایه شکل با اول باولیای دولت علیه

۱۲۲۰

اعلام دارند اگر برای آنها موجود نمودند از آن حوائض
 داد که خانه و انبار باذن اولیای دولت علیه
 پیدا کنند و بی اذن نیست و انداخته نام نمایند

سایر ولایات

اورز پایسجان از قراریکه در روزنامه این ولایت
 نوشته اند رسمی از نوابش براده و الا بتبار نصره
 صاحب اختیار اورز پایسجان صادر شده اصل ذوق
 مالیات دیوانی هر یک از ولایات را در بجان رسم
 مشخص نموده تمامی علما و اعیان و که خدا یان و برین
 خطاب و اعلام کرده اند که بعد ازین جنبه و درین باره
 علاوه بر مالیات و فروعات قرار داری دیوان
 از کسی مطالبه نشود و اگر بالفرض هر یک از حکام
 و مباشرین بخواهند زیاده ای نموده علاوه مطالب کنند
 رعیت ممکن کرده مراتب را در ضمن عرضیه خدمت
 نوابش براده معروض دارند که رفع نقدی و اجاف را
 بفرمایند بعد از صد و این رسم عموم مالی آن محکمت
 امید داری کامل حاصل کرده اند و همچنین بر طبق حکم
 عام بایون علیحضرت پادشاهی رسمی رسم که بجز این
 هیچیک از مباشرین و حکام احدی اجریه نکند و اگر بدین
 دیگر نوشته اند که مغرب الخاقان قایم مقام یکصد نفر
 سواره شاطر المور را بجهت حفظ و حرارت و نظم طرق
 و سوارع معین کرده اند که همیشه مشغول حفظ و حرارت
 کردن قافلان کوه و اطراف تبریز باشند
 دیگر از قراریکه نوشته اند مغرب الخاقان شارا ایله
 بر شب جمعه علما و اعیان و اشراف و تجار را بمهانی

دعوت نمایند و بعد از صرف طعام هر کس مظهری باشد رسیدگی بنمایند و موافق عدل احقاق حق

جواب میدهند

بروجرد

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند سر بازار دلفان دست خسر و خان که نامور بختیاری مفتک

و چهار لنگ بودند برای اینکه سان آنها دیده شود و تحقیق رسیدن موجب آنها را نمایند نواب مستطاب شاهزاده و الایب تاجشام اوله حکمران بروجرد و بختیاری و لرستان و عربستان سر بازار بروجرد در ماه ذی حجه احضار بروجرد نموده با مستحضار عیال

محمد اسمعیل یک که از جانب اولیای دولت علیه امور پسان در رسیدگی موجب نوکر آنجا بوسان آنها بیفت دیده شده و لغتم و قاعده آنها باده الوصف رسید فاطمه نواب معزی الیه گردید و عالیجاه مشارب طومارسان در رسیدگی موجب نه نامه آنها ضعیف طوماری مهور سپرد

و یکر نوشته بودند که جناره مرحوم محمد یعلی میرزا را با و نوکر او در چهارم ماه و پنجم از سلطان آباد حرکت داده و در ششم ماه منور وارد بروجرد نمودند و روز و رود چادوش و قاری و روضه خوان و علی و جان

بجبه احترام مرحوم منور تا یک فرسخ استقبال نموده با کمال اعزاز و لوازم احترام بشهر وارد کردند و به رسم بخت مقدم نمودند و عموم انالی آنجا از شاه ضعیف مرحوم بکریه و زاری در آمده خود داری نمیتوانستند نمود و بعد

از ورود و جناره مرحوم منور را در سده سپردند که بیجا

عالیات روانه نمایند

دیگر نوشته اند که محمد سلطان که محصل تخواه تو سخا مبارکه بود درین اوقات وارد بروجرد و از آنجا روانه عربستان گردید و هم چنین سوارمای نظام که محصل دو هزار تومان تخواه بودند وارد بروجرد و مشغول تحویل کفن تخواه میباشند

نواب امیرزاده الیدرم میرزا در هرگز سفر سخی بروجرد اردو وارد و درین اوقات حسب اجازه نواب شاهزاده و الایب تاجشام بروجرد آمده که دیدن والده و نواب شاهزاده نموده بعد از سه روز هجت بروجرد خود گشت

دیگر نوشته اند که خلف مهر طلف پادشاهی که با فحای نواب شاهزاده تاجشام الدوله بجهت بیرون آمدن از بکس تخریب مرحوم محمد یعلی میرزا محنت شده بود در شانزدهم ذیحجه وارد شده و نواب معسری الیه تا خارج دروازه پیاده با استقبال شتافته و از آنجا بعبارت باغ آفتاب حلت کابون راریب یکم مفاخرت خود ساخته و نواب محمد علی میرزا پسر مرحوم محمد یعلی میرزا هم بطلب مهر طلف تاجشام که در محنت شده بود مخلص گردید و زمان مهر لغمان مبارک که بمبسی برانهار مرحوم و تقدمات طوکانه در باره نواب تاجشام الدوله و اولاد مرحوم محمد یعلی میرزا بود در مجلس خوانده و تقدیم شکرانه نموده از بکس بیرون آمدند و نواب امیرزاده مرتضی میرزا مقرب الخاقان عباسی تاجشام میرزا پسر کرمان از جانب نواب الدوله در جانب میرزا فرزند از جانب نواب سید امیرزاده تاجشامی مرحوم محمد یعلی میرزا بودند

محمد علی میرزا پسر مرحوم محمد یعلی میرزا هم بطلب مهر طلف تاجشام که در محنت شده بود مخلص گردید و زمان مهر لغمان مبارک که بمبسی برانهار مرحوم و تقدمات طوکانه در باره نواب تاجشام الدوله و اولاد مرحوم محمد یعلی میرزا بود در مجلس خوانده و تقدیم شکرانه نموده از بکس بیرون آمدند و نواب امیرزاده مرتضی میرزا مقرب الخاقان عباسی تاجشام میرزا پسر کرمان از جانب نواب الدوله در جانب میرزا فرزند از جانب نواب سید امیرزاده تاجشامی مرحوم محمد یعلی میرزا بودند

۱۲۲۱

اجار و ول خارج

انگلیس تاریخ روزنامه آخر که ازین مملکت رسید
 ۱۹ سوال بود علیا حضرت پادشاه انگلیس و عمارت
 که نزدیک شهر لندن است تشریف داشته و لکن بنا بود
 درین روزها عمارت خود که در کن رود ریاب و بجهت تابستان
 بسیار جای با صفا تشریف فرما شوند

استر

این دولت بجهت اخراجات زیاد که امسال دارند اعلیحضرت
 امپراطور استرلیه بنا گذاشته اند که پول از خلق قرض نمایند
 با متاع معین چون نقشی که میدهند بجهت صاحبان تخواه
 خوب است و صرفه دارد و بسیاری داوطلب ادای این
 تخواه شده اند از جمله اقوام خود امپراطور استرلیه
 فلان که تخمینا چهار کرو پول ایران از قرار هر فلان دو
 دینار چیزی بالاتر میشود در میان خود تقسیم و تخواه آنرا
 جمع آوری نموده داده اند و تک دیوان خریدند و کلان
 یکی از ممالک کوچک نیز دو طمان و چهار صد فلان
 کار سازی کرده است اعیان خود پای تخت وینه طمان
 داده اند و اعیان شهر طریست دو طمان و پرنس سواریس
 که یکی از خوانین بزرگ است یک طمان و تجار اولاد
 این تخواه زیاد بدولت قرض داده و بقرار مقرر
 دیوان خریدند

اسپانیول

از فراری که در روزنامه اسپانیول نوشته اند تاریخ چهارم
 ماه سوال جنگ در مدینه با این افواج پادشاه با افواجی که
 باغی شده بودند اتفاق افتاد و درین جنگ قشون پادشاه

غالب آمدند و باغیان از مدینه زدند که پای تخت اسپانیول است
 بیرون رفتند و در خصوص این که از شش محصری در مدینه
 بنفشه گذاشته نوشته شد درین روزنامه که تازه رسید
 نوشته اند که در نزدیکی شهر مدینه قشون باغیان با قشون
 پادشاه جنگ کردند و از طرفین جنگ سخت نمودند و بعضی
 از پیش بدر فرستیدند میان جنگ برار گشته و زخمی بود
 لکن بعد از جنگ قشون باغیان خود پس کشیدند و قشون
 پادشاه شهر را محبت کردند و در بعضی جا بهای دیگر
 نیز که باغیان سر بر آورده بودند قشون پادشاه با آنها
 کردند و در بعضی جایهای دیگر کار باغیان در پیش بود چون
 سرداران قدیم و مشهور از جمله اسپانیول و او درین در خط
 باغیان بودند آخر الامر کار باغیان پیش رفت بجهت اینکه
 هر جا رعایا با قشون باغیان متفق شده و اعیان شهر هم
 طر حداری باغیان را میگرداند تاریخ کاغذ آخر که ازین دولت
 رسید بخنده سوال بود و در آنوقت پادشاه لا علاج شد
 ناچار خویش باغیان را قبول کرده بود و وزرانی را که باغیان
 از آنها کله داشتند بیرون کرد اسپانیول و سایر پادشاهان
 که بزرگ باغیان بودند بجای وزیر برقرار شدند و این
 قرار دلاست امن و آرام شد

عجمان

در روزنامه اسپانیول نوشته اند که تاریخ دوازدهم
 ذی قعدة اعلیحضرت سلطان و ختر خود فاطمه سلطان را بجهت
 علی غالب پاشا پسر سیوم جناب شید پاشا عهد فراموش
 بسته و عروسی سنگین نمودند و از عمارت چراغان سلطانی
 جهیزه و دارکات شایسته بعمارت باله لپان که بنای عروسی